

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علی بن ابی طالب علی بن ابی طالب

نام کتاب: ترک واجب کرده و سنت به جا آورده ایم

مؤلف: سید حسن موسوی خراسانی

صفحه آرایی و طراحی جلد: محمد مهدی طالب الحق

ناشر: موسسه فرهنگی ارسطو

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ:

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۷۰۳-۳-۳

حق چاپ محفوظ است

ترک واجب کرده  
و  
سنت بجا آورده ایم



## فهرست

- ۸ ۱- عزاداری به جای نماز
- ۱۱ ۲- هیئت به جای مسجد
- ۱۴ ۳- مداحی به جای منبر
- ۱۷ ۴- سفره به جای چادر
- ۲۰ ۵- قطب به جای امام
- ۲۳ ۶- طبل به جای کتاب
- ۲۶ ۷- کف به جای شادی
- ۲۹ ۸- گناه به جای دعا
- ۳۲ ۹- عرفان به جای معرفت
- ۳۵ ۱۰- استخاره به جای مشورت
- ۳۹ ۱۱- عطسه به جای تدبیر
- ۴۲ ۱۲- اسفند به جای و ان یکاد
- ۴۶ ۱۳- آش به جای نماز باران
- ۴۹ ۱۴- مهریه به جای مهر
- ۵۲ ۱۵- خرافات به جای توضیح المسائل



- ۵۵ ۱۶- تزئینی به جای کار فرهنگی
- ۵۹ ۱۷- آبروریزی سادات به جای آبروداری
- ۶۳ ۱۸- مال زیاد به جای مال حلال
- ۶۷ ۱۹- غرب پرستی به جای خداپرستی
- ۷۰ ۲۰- خودباختگی به جای خودباوری
- ۷۴ ترک صلاة و ذکر صلوات مستحب
- ۷۶ خرج های جابه جا
- ۸۰ ترک احیاء امام زادگان و خرج آثار باستانی
- ۸۴ بستن کمربند و نبستن روسری
- ۸۸ سودهای کلان و ترک وام ازدواج
- ۹۲ ترک دل و کارگل
- ۹۶ ترک اشتغال و کمک مقطعی
- ۱۰۰ ترک اشتغال و بودجه های ورزشی
- ۱۰۵ مجوز بیلارد و مبارزه با قلیان
- ۱۰۸ ترک معرفی اسلام و همایش غیر ضروری
- ۱۱۲ ترک میّت و پرداختی
- ۱۱۷ ترک سلام و جایگزین بی ربط



## مقدمه

### ترک واجب کرده و سنت بجا آورده ایم

هم در شرع و هم در عرف بعضی کارها مهمند و بعضی واجب اند و بعضی مستحب لذا احکام شرعی پنج گونه هستند؟ واجب و مستحب و حرام و مکروه و مباح .

واجب آن است که یقیناً باید انجام گردد و ترک آن حرام است و مستحب آن است که بهتر است انجام شود و مکروه کاری است که اگر انجام نشود بهتر است و حرام باید یقیناً ترک شود و مباح انجام و ترکش مساوی است اگر کسی در موقعی که یک امر مهم تر پیش روی اوست از آن صرف نظر کند و به کاری که اهمیّت کمتری دارد پردازد به او می گویند: ترک واجب کرده و سنت بجا آورده است و این به صورت ضرب المثل در محاورات ما جا افتاده است ما در اینجا بنا داریم که به نقد این سیره



غیر صحیح پردازیم و با ذکر بعضی از نمونه ها این بحث را عینی تر بیان کنیم تا شاید هشدارى برای خودمان باشد تا فرقى بين اهم و مهم قائل شويم .

البته این نکته قابل ذکر است که نوعاً هر کدام از ما برای کار خودمان تحلیل و دلیلی اقامه می کنیم و در حقیقت به قول قرآن مجید ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ یعنی هر قومی به آنچه انجام می دهند خوشحال و راضی می باشند و گاه شده که کسی برای کار مستحب خود چنان بر صندلی توجیه نشسته و از آن دفاع و سعی می کند که افراد را مُجاب می نماید.

مجموعه حاضر اندکی از بسیار مشکلاتی است که در جامعه ما رواج دارد و جمع فراوانی از رهپویان این طریق به بیراهه می روند و در نتیجه به مقصد نمی رسند امید است ره یافتگان واقعی راه را به ما نشان دهند و ما را از خطاها یمان با خبر کنند و افراد متحیر از تردید و تحیر نجات یابند و از پیچ و خم کوچه ها و کوره راه های موجود به سلامت به سر منزل مقصود و جایگاه موعود برسند .

والسلام سید حسن موسوی خراسانی

پاییز ۹۲ صفر المظفر ۱۴۳۵



## نمونه های رایج در میان مردم:

### ۱- عزاداری به جای نماز:

از سنت های رایج جامعه شیعه عزاداری برای اهل بیت عصمت و طهارت است که واقعا سنت و رسم جالب و لازمی است و گرچه آمیخته با کارهای خرافی شده است لکن در اصل سنت رهبران دین ما و سفارش پیشوایان مکتب ما بر احیاء این امر تعلق گرفته است.

حال این امر مهم و این سنت رایج هر چه مهم است لکن در مقایسه با نمازی که ستون دین است و مرز بین ایمان و کفر حساب می شود و اگر قبول شد اعمال دیگر هم به برکت آن قبول و گرنه رد





می شود جایگاه سنت در مقابل واجب را دارد ولی هرگز این اعمال مستحب جای یک وعده فریضه بزرگ نماز را نمی گیرد.

ولی متأسفانه در بعضی از هیئات مذهبی ما که مراکز بر گزاری این مهم است از آن مسئله اهمّ که نماز نامیده می شود غفلت شده یا لاقلاً آن اهمیتی که بایستی داشته باشد به آن داده نمی شود!

گاه در یک هیئت از اول شب تا پاسی از نیمه‌های شب به سر و سینه می زنند نوحه خوانی، سینه زنی، زنجیر زنی و کارهای دیگری به رسم عزا انجام می گیرد ولی به بهانه خستگی عزاداران به نماز صبح اهمیتی داده نمی شود لقمان به فرزندش می گوید:

﴿لِلْعَالَمِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ الصَّلَاةُ وَالصِّيَامُ وَالزَّكَاةُ﴾

عالم سه نشانه دارد نماز و روزه و زکات.<sup>۱</sup>

نماز سفارش ادیان دیگر نیز می باشد

حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به خدا عرض می کند:

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾

یعنی خداوندا مرا بر پادارنده نماز قرارده.<sup>۲</sup>

سفارش حضرت اسماعیل و حضرت موسی و حضرت عیسی عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده است که به ترتیب در

۱. اعلام الدین ص ۱۳۲

۲. ابراهیم ۴۰



سوره های طه آیه (۲۴) هود آیه (۸۷) ذکر آن به میان آمده است و پیامبری همچون ابراهیم خلیل با خانواده اش آواره بیابان ها می شود تا نماز را بپا بدارد آنچه گفته شد و هزاران دلیل دیگر دلائلی بر اهمیّت این فریضه بزرگ الهی هستند و باید دانست که هیچ عبادت یا هیچ کار پسندیده ای به گرد نماز نرسیده و نمی تواند جای آن را بگیرد.

قال رسول الله ﷺ:

﴿أَسْرَقَ السَّرَّاقُ مَنْ سَرَقَ مِنْ صَلَاتِهِ﴾

دزدترین دزدان کسی است که از نمازش بدزدد.<sup>۱</sup>

گاهی ما به جای این همه آیه و روایت و شرحی که از انبیاء بزرگ الهی گفته شده به حرف های بی سندی که از روی تن پروری و نا آگاهی از افرادی سر زده اکتفاء می کنیم مانند این که:

هر دستی که به سینه آشنا شود

فارغ ز هول محشر و روز جزاء شود

یا این که حسین چون آقا است شفاعت می کند و می گوئیم تمام غرق گناهیم و یک حسین داریم و با این حرف و شعرها خود را برای ترک نماز توجیه می کنیم.

۱. سفینه البحار



## ۲- هیئت به جای مسجد:

از قدیم جایگاههایی برای عزاداری اهل بیت عصمت و طهارت به نام هیئت مذهبی درست شده و مردم در زیر سقفی جمع می شده و عزاداری می کرده اند که در فصل گذشته به برخی از آن اشاره شد و صد البته این مراکز در تمامی سال مورد بهره برداری مذهبی نیستند بلکه ایام خاصی همچون ایام محرم و اندکی از ماه صفر آنهم در ساعاتی از شبانه روز و آن هم با سلیقه افرادی که از قدیم کلید دار آن بوده اند و بس!

و نوعاً هم با استفاده از احساسات مذهبی مردم به صورت متعدد ساخته و صاحب امکاناتی می شود و در بسیاری از مراکز طبق رسم دیرینه



آباء و اجدادی مسیر هیئت باید مشخص و با سلیقه کارگردان هیئت باشد و اگر کسی یا کسانی آگاه از مسائل و از سر دلسوزی بگویند این مسیر را عوض کنید و یا از این بازار باریک در این ساعت شلوغ عبور نکنید مورد توجه قرار نمی گیرد و هرگز عملی نیست و البته هزاران اشکال که به نوع اداره هیئت می شود ولی با همه احوال جایگاه خوب و لازمی قرار دارد.

لکن در مقام مقایسه با مسجد به دلایل متعددی که بیان می شود قابل مقایسه نیست از جمله این که:

**الف:** فضیلت زمین مسجد به قدری هست که نجس کردن آن جایز نیست و اگر مسلمانی بفهمد که نجس شده واجب است بصورت فوری آن را تطهیر کند.

**ب:** بدون وضو ورود به مسجد کراهت دارد و بدون غسل واجب، حرام است.

**ج:** زمین مسجد تا ابد حکم مسجد را دارد ولی مکانهای دیگر چنین حکمی را ندارد.

**د:** زمین مسجد را نمی توان تبدیل به محل دیگری کرد یا آن را جابه جا کرد.

**ه:** مسجد با ذکر قرآن که فرموده است :

﴿إِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ﴾



اختصاص به ذکر پروردگار دارد.<sup>۱</sup>

و: تعمیر مسجد علامت ایمان است.

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ﴾<sup>۲</sup>

ز: ممانعت از رفتن به مسجد ستمی بزرگی

است ﴿مَنْ أَظْلَمَ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ ...﴾<sup>۳</sup>

ح: مشرکان حق ساختن مسجد را ندارند.

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ﴾<sup>۴</sup>

در قدیم هم نماز در مساجد بود و هم اقامه عزاداری اهل بیت و مردم با طهارتی خاصی که در خور مقام مسجد است در این مکان مقدس پس از اقامه نماز اقامه عزا می نمودند ولی اکنون این دو مکان از هم تفکیک شده و اندکی باید گفت: این دو عمل (نماز و عزاداری) نیز از یکدیگر فاصله گرفته اند بهترین صوت ها و عالی ترین بلندگوها و بهترین امکانات در اختیار مداح و هیئت است لکن نوعا از این بلندگو و از آن حنجره صدای اذان پخش نمی شود و این همان مستحب و سنتی است که جای واجب را گرفته است.

۱. (جن ۱۸)

۲. (توبه ۱۸)

۳. (بقره ۱۱۴)

۴. (توبه ۱۷)



### ۳- مداحی به جای منبر:

مداحی اهل بیت نیز از سنت های خوب شیعه بوده و هست و مداحان عالی مقام در طول تاریخ تشیع با استفاده از صوت و لحن زیبا مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را بیان نموده و خوانده اند و با اقامه عزاداری سالار شهیدان این سنت را رواج داده اند ولی آفت های بزرگی به این مسئله نیز رسیده است از جمله اینکه:

الف: مداحان قدیم با اهمیتی که به مسئله می دادند اشعار خوب و موثری را حفظ کرده و محفوظات خوبی داشتند ولی امروز این رسم در حال تغییر و تحریف می باشد.

ب: متانت و سنگینی مداحان قبل باعث



نگهداشتن حرمت اهل بیت بود ولی امروز آن سنگینی ها به سبکی مبدل شده و بعضا مایه وهن و اهانت است.

ج: در قدیم نوعا هر کسی را خدا صوت و لحن خوبی می بخشید به زکات این نعمت برای اهل بیت علیهم السلام می خواند ولی امروزه متاسفانه برخی از مداحان، اهل بیت علیهم السلام را وسیله ارتزاق و درآمدهای کلان قرار داده و آلف و الوف پول دریافت می کنند و بعضا قبلا شرط کرده و چک و چانه می زنند!

د: در قدیم البته کمی قدیم تر از زمان حال مداحان در نوع پوشش ملاحظه ظاهر و زیّ مداحی را می نمودند و لباس مخصوص داشتند ولی امروز کمتر رعایت می شود.

ه: قبلا از آهنگ های نامناسب اجتناب می شد و امروز گاهی رعایت اینگونه مسائل اصلی کمی به فراموشی سپرده شده است و آهنگ هایی که تداعی کننده موسیقی های لهوو لعبی است به نوحه تبدیل شده است که مایه تأسف است.

و: قبلا مداحان اشعاری می خواندند که به محتوا و شخصیت معنوی معصومان پرداخته می شد ولی امروز چشم و ابرو و قد و بالا و کبوتر و گنبد طلا و عشق بازی هائی که گاهی شباهت به عشق بازی های صوری دارد را در پیش گرفته اند.

ز: قبلا مداح اهل بیت تمام وقت و حواسش با

اهل بیت علیهم السلام بود و خطوط سیاسی در کار نبود اما امروز با بهانه ولایتی بودن ولایت را دو قسم کرده و عده ای که به دلایلی با انقلاب اسلامی زاویه دارند به اسم ولایت محض معصومین از ولایت فقیه نامی نمی برند و عده ای که وفاداران به ولایت فقیه هستند در جمع آنان جایی ندارند که این هم از آفات و خسارات بزرگ این رشته است.







## ۴- سفره حضرت فاطمه علیها السلام به جای چادر حضرت علیها السلام :

در جامعه و خانواده های شیعی ما رسم است که برای زنده نگهداشتن نام معصومین گاهی سفره ای می اندازند و یا نذر می کنند تا با این کار به حاجت خود برسند یا در کنار آن روضه خوانده شود که البته این سنت هم گرفتار آفت‌هایی شده است که از این قبیل می باشد:

الف: این سفره ها تشریفاتی و مایه فخر فروشی شده هر کس که توان بیشتری دارد خرج بیشتری می کند و رنگ و لعاب بیشتری به آن می دهد و برای بقیه مایه دردسر می شود!

ب: با سلیقه های گوناگونی این سفره تزئین

می شود که این گوناگونی جز سلیقه افراد سندی دیگر ندارد.

ج : بدعت هایی رواج داده می شود از جمله اینکه غذایی به نام کاجی حضرت فاطمه علیها السلام باید بر سر این سفره باشد و مردان از آن نخورند و ده ها باید و نباید دیگر!

د : روضه هایی که خوانده می شود گاه از سوی افرادی بی سواد و بی مطالعه است و یقیناً اهانت آمیز است و شخصیت والای تنها زن عالم به جای معرفی، تحقیر می شود.

ه : گاهی بر سر این سفره در خانه هایی و از اموالی خرج می شود که از حلال بدست نیامده و یا زن خانه تدارک کرده و همسرش راضی نیست.

و : گاهی خواندن زنان را چه بوسیله بلندگو که این روزها جزء واجبات مداح های زن هم شده! در کوچه و گذر نامحرمان می شنوند و یا در همان خانه کسانی بیگانه نشسته و می شنوند.

ز : در حالی که غالب زنان شرکت کننده نیازمند به فهمیدن مسائل شرعی هستند یا مسئله ای گفته نمی شود یا پاسخ مسائل را کسی به درستی نمی تواند بدهد و یا زمینه اش فراهم نمی شود.

والبته آنچه گفته شد شامل تمامی جلسات زنانه نیست و یقیناً مراکزی که از قدیم یا جدیداً تحت اشراف انسان های فریخته اداره می شود این آفت





ها را ندارد و آن مزایائی که گفته شد را دارند.

در عین حال سفره ای که به بهانه ذکر توسل انداخته می شود مطلوب است و بهانه ای است برای بیان فضائل پیشوایان دین لکن افرادی در این جلسات شرکت می کنند یا چنین سفره هائی در خانه می اندازند و این سنت را انجام می دهند که حجاب که واجب دین است و سفارش اکید آیات قرآن می باشد را رعایت نمی کنند و به این کار مستحب دلخوشند که فردای قیامت مشمول شفاعت حضرت زهراء عَلَيْهَا السَّلَامُ شوند که این هم از منطبق به دور است.

قال الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ : ﴿فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ﴾.

هر کس فاطمه را همان طور که سزاوار اوست بشناسد شب قدر را درک کرده است...

فاطمه ای را فقط با سفره معرفی می کنیم که وقتی مرد نابینا به خانه اش آمد پنهان شد و وقتی گفتند: او نابیناست فرمود اما من بینایم! و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در پاسخ به این کار فرمودند: أَشْهَدُ أَنَّكَ بِضَعْتِي: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی.



## ۵ - قطب به جای امام علیه السلام:

در عرف عقلاء مطرح است که راهی را بدون راه  
 بَلَد نباید رفت و حتماً باید با همراهی خضر باشد تا  
 این که انسان در ظلمات به گمراهی گرفتار نشود،  
 در حقیقت این کار پسندیده از قدیم مورد سفارش  
 پیشوایان دین بوده است و به همین دلیل مردمی که  
 فطرتی پاک دارند بدنبال انبیاء و اولیاء افتاده و راه و  
 چاه را از آنها سراغ گرفته و هرگز گرفتار نشده اند.

امام معصوم علیه السلام فرمود: همچنان که تمامی اعضاء  
 سالم بدن که کار خود را به امر تکوینی الهی انجام  
 می دهند به یک مرکز فرماندهی همچون قلب نیاز  
 دارند امام هم برای کنترل و نظارت جامعه به منزله  
 همان قلب است و لازم است که وجود داشته باشد.



از این نکته هم نباید غافل شد که آن کسی که می‌خواهد زمام جامعه را در دست بگیرد شرائطی دارد که با آن شرائط می‌تواند زعامت را عهده‌دار شود.

اما با کمال تأسف باید گفت که دنیا پرستان و سردمداران و سلاطین جور و خلفای بنی امیه و بنی عباس بدلیل رسیدن به ریاست و یا حسادت در مقابل امامان معصوم علیهم‌السلام که سفیران الهی بودند قد علم کرده و قُطبی منحرف در مقابل امام حق شدند و باعث انحراف جامعه گردیدند و از همان روزهای اول اسلام این روش غلط را رواج دادند که امروز نیز عده ای بی لیاقت و بی سواد داعیه رهبری جمعی را بر عهده گرفته و گروه‌هایی را منحرف می‌کنند، قلب‌هایی که بسیاری از آنها جز خور و خواب و شهوت انگیزه‌ای ندارند و از دنیا جز پُز و پلو و پول چیزی در سر ندارند.

یکی از علماء گفت: وقتی یکی از این قطب‌هائی را که از قبل با او آشنائی داشتم دیدم از او پرسیدم: این چه بساطی است راه انداخته‌ای؟ دین و مذهب جدید ساخته‌ای؟ گفت: تا وقت نهار اینجا بمان تا جوابت را بدهم و وقتی زمان نهار شد انواع غذاهای خوش طعم مخصوص او را که آوردند سر در گوش من گفت: این کارها را مُریدهای جدید من از مردان و زنان برایم انجام می‌دهند تو اگر چنین الاغهای سواری پیدا کنی سوار نمی



شوی؟!

آری اینان با این انگیزه ها بر گرده مردم سوار شده و با سلیقه شخصی خود و خرافات و خواب نما شدن جامعه ای را سر کیسه می کنند، اگر ابو حنیفه ها و شافعی ها و... در مقابل ائمه گروه و دسته راه نمی انداختند اینها این جرأت را پیدا نمی کردند .

بعضی از اقطاب صوفیه یا شیخیه از ورای کشور و در دنیای غریبه های غربی با کنترل از راه دور قطبچه هایی در داخل دارند و مانند عروسکهای خیمه شب بازی اینان را خط می دهند.

یکی از فرهنگیان فرهیخته می گفت : شبی بوسیله یکی از همکاران از ایالات و شهرهای مختلف آمریکا به جلسه ای به نام علی علیه السلام دعوت شدیم و وقتی در جلسه سه ساعته شرکت کردیم چیزی که بیان نشد نام علی علیه السلام بود و انواع مُطرب ها نواختند و لُوده گری ها شد و زمانی که به آن قطب گفتیم: چرا نام علی علیه السلام را نبردید؟ با مسخره گفت: علی کدام است! ما منظورمان خوش بودن است و با طعنه گفت : ما منظورمان علی عالی اعلاست!!



## ۶- طبّل و سنج به جای کتاب:

در هیئت های مذهبی ما مبالغ قابل توجهی خرج خرید طبّل و سنج و علامت و امثال اینها می شود که تمامی آنها به عنوان ابزار عزاداری از قداست خاصی بر خوردار می شوند، البته ما می دانیم که هرچه نام اهل بیت بگیرد مقدّس است اما گاهی در حدّ افراطی گری به این گونه ابزار آلات ارج می نهیم، چند سال قبل یکی از اعضاء یکی از هیئت ها آمد در حالی که گریه می کرد و تعریف می کرد: که دیروز رفتم به هیئت و دیدم بی دینان علامت حضرت را از سالن بیرون آورده و در میان



آفتاب گذاشتند! به او گفتم این یک علامت آهنی  
بیش نیست و بعد هم چون می خواسته اند دو سه  
روز نمایشگاه کتاب بر قرار کنند این کار را کرده  
اند ولی با فکر عوامانه خودش آن آهن را بر کتاب  
و علم و همه چیز برتری می داد و با این حرفها  
حالش خوب نمی شد و همچنان برای علامت  
در آفتاب مانده گریه می کرد!! نکته فابل ذکر این  
است که در هیچ هیئتی اهمیتی به کتابخانه و کتاب  
خوانی داده نمی شود تا جوانی که می خواهد به  
عشق آن بزرگوار که هیئت به نام اوست بر سر و  
سینه اش بزند دو صفحه کتاب در شرح زندگانی  
او بخواند و فقط تعبداً و بر اساس رسم و سنت این  
عزاداری انجام نگیرد در حالی که تحقیق و مطالعه  
در حالات معصومان لازم و واجب است و این  
عزاداری ها سنت و مستحب.

قال رسول الله ﷺ:

مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا  
يُصْلِحُ!

هر کس بدون دانش عمل کند فسادش بیش از  
اصلاح او خواهد بود.

از معصوم علیه السلام پرسیدند: که در شب قدر اگر  
دو جلسه باشد که یکی دعا و مناجات باشد و در  
جلسه دیگر بحث علمی در این شب عزیز در





کدام جلسه شرکت کنیم؟ فرمودند: در مجلسی که بحث علمی انجام می‌گیرد، این است توجّه پیشوایان دین ما به کارهای آگاهانه در مقابل عبادات مستحب و غیر عالمانه، وقتی که در مورد عباداتی که مستحب بودن آن این همه مورد تأکید است امام مردم را به کاری لازم تر دعوت می‌کند برای عملی همچون عزاداری آن هم از نوع تحریف شده اش نظر آن بزرگواران معلوم است، البته به قول حوزویان اثبات شیئی نفی ما عدا نمی‌کند یعنی عمل علمی و عبادت عالمانه باید باشد و عزاداری جایگاه خودش را دارد اما همیشه این دو کار در محل مسجد انجام می‌گرفته است ولی امروز آن را هم از هم جدا کرده‌اند.



## ۷- کف زدن به جای شادی :

انسان هایی که فطرتی دست نخورده و سالم دارند از نظر درون و باطن به صاحبان حق وابسته اند و بسیاری از آنان در برابر حقوقی که رهبران دینی بر گردن بشریت دارند خود را مدیون دانسته و وابستگی خود را چنین ابراز می کنند که خود را در شادی آن ها شاد و در غم های آنان غمین می دانند که یکی از همان رهبران صاحب حق امام صادق علیه السلام فرمودند: شیعیان ما از آب و گل ما آفریده شده در شادی ما شاد و در غم ما غمگین می باشند ، این شادی رسمی و رویه ای است از اول عمر اسلام و تشیع و همه پدران و مادران ما در شب های ولادت و یا در جشن ولایت شاد بوده اند اما هرگز شادی خود را با کف و سوت و پایکوبی و ترکه بازی و حرکت های موزون ابراز



نمی داشتند! شعر خوانی و مولودی خوانی وهم خوانی بود اما دایره و تنبک و حرکات سبکی که مربوط به جلسات لهو لعب می باشد رایج نبود آخر از قدیم گفته اند: هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد، مکانی به نام مسجد و هیئت مقدّسند و حرمت امامزاده را باید متولّی آن نگهدارد و ما مسلمانیم و متولّی قداست این مکانهای مقدس می باشیم اگر چند سال به عقب برگردیم و به پدران و مادرانمان بگوییم که در مسجد و هیئت برای امامان کف می زنیم و در هیئت برای جشن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) ترکه بازی و دستمال بازی می کنیم آنها چه می گویند؟!

در میلاد امام زمان علیه السلام گفتیم: شما که برای ولادت امام زمانان این قبیل کارها را انجام می دهید اگر مرجع تقلیدتان را به شهرتان دعوت کنید و سپس به احترام او به استقبالش بروید در هنگام ورودش به جای شعار و صلوات ترکه بازی کنید چه صورتی دارد!! حالا در جشن امام زمان علیه السلام که زنده و ناظر اعمال ما می باشد این قبیل کارها چه صورتی پیدا می کند؟!

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ﴿زَيِّنُوا أَعْيَادَكُمْ بِالتَّكْبِيرِ زَيَّنُوا الْعِيدِينَ بِالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّقْدِيسِ﴾  
 عیدهای خود را به تکبیر زینت دهید و عید فطر و قربان را با گفتن لا اله الا الله والله اكبر والحمد لله



و سبحان الله زینت دهید!.

امام مجتبی علیه السلام در روز عید فطر به گروهی برخوردند که بازی و سبکی می کردند آنها را موعظه فرمود سپس به آنها فرمود: روز قیامت عده‌ای که اهل کارهای باطل اند خسارت می بینند.<sup>۲</sup> شادی کردن، خندیدن، مزاح و خوش بودن در اسلام مورد تأیید است و پیشوایان معصوم مزاح می کردند لکن کارهای لغو و بیهوده و یا در قالب شوخی و مسخره کردن را هرگز تأیید نکرده و نمی کنند.

قيل لَعَلِي عليه السلام : فَايُّ صَاحِبٍ لَكَ شَرٌّ؟ قَالَ :  
الْمُزَيِّنُ لَكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ

به امام علیه السلام گفته شد: کدام دوست برای شما بد است؟ حضرت فرمودند: آن دوستی که معصیت خدا را برای تو آرایش می کند و زیبا جلوه می دهد! نتیجه می گیریم که شادی کردن برای شادی اهل بیت آری اما سبکی و کارهای لهو و لعب به نام آن ذوات مقدس هرگز، روزگاری مردم زمان جاهلیت در طواف کعبه در حالی که بعضی از آنها عریان طواف می کردند کف و سوت می زدند و این سابقه بد را برای تاریخ از خود بیاد گار گذاشتند.

۱. کنز ۲۴۰۹۲

۲. تحف العقول ص ۲۳۶



## ۸- گناه در عروسی بجای یاد خدا:

بهترین افتتاحیه عمرمان آغاز زندگی مشترکی است که از شب زفاف شروع می شود و معمولاً افتتاحیه را با نام خدا و سلام و صلوات انجام می دهند، خاطره ای ترین و حتی سرنوشت سازترین لحظه زندگی انسان همان شبی است که شاید زمان انعقاد نطفه هم باشد و شاکله اولین فرزند خانواده ریخته می شود این جایگاه مغتنمی که معمولاً یک بار در عمر بیشتر اتفاق نمی افتد را به وسیله های نامربوط و غیر دینی آلوده کردن واقعا خسارت بار است از افراد ناباب، از موسیقی های حرام از رقص و پایکوبی و از اختلاط زن و مرد و خدای ناخواسته از مشروبات الکلی استفاده



کردن به عنوان شگون زندگی قرار دادن واقعا جفا و خسارتی جبران ناپذیر به زندگی است، زندگانی دو انسان وقتی با گناه آغاز می‌شود، وقتی با مزاحمت برای همسایگان متدین شروع می‌شود وقتی با اجتماع الواط محله همراه باشد و همان شب نطفه فرزندی منعقد شود به کجاها که نمی‌انجامد!

وقتی در سایه مکتبی زندگی می‌کنیم که برای همه چیز مُدل‌های پسندیده‌ای داریم و برای ازدواج، مراسم ازدواج حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام را داریم که موفق‌ترین ازدواج عالم خلقت بوده باید آنرا سر مشق قرار دهیم و بدانیم که نه مهریه سنگین و نه جهیزیه تشریفاتی و نه کراوات قرمز و نه تالار پرخرج و نه اسراف در غذاهای الوان و نه ماشین‌های مزاحم در خیابان هیچ کدام شگون زندگی نیستند و آن خنده‌های آلوده به گناه غالباً به گریه‌های دامنه دار مبدل می‌شود و شادی‌های با معصیت به جدایی‌ها کشیده می‌شود، وقتی شب زفاف بجای دو رکعت نماز ویژه آن شب بی‌نماز به بستر می‌روند فرزندشان با زمینه همه آلودگی‌ها پا به دنیا می‌گذارند اولین کسانی که از این فرزند رنج خواهند کشید همین پدر و مادرند که زیرا این‌گونه خنده‌ها، گریه‌ها به دنبال دارد.

وقتی عروس آرایش کرده برای عکاس و فیلم بردار محرم است و برای رهگذران خیابان بلا



مانع اند فردا دختران این عروس صد پله بالاتر از مادر بار آمده و اولین کاری که می کند حرمت این پدر و مادر را نگه نخواهد داشت و والدین قادر به جبران آن نیستند، چون گفته اند خود کرده راه، تدبیر نیست.

وقتی داماد اولین لحظه آغاز زندگی مُهر بی غیرتی بر پیشانی اش می چسبد مانند همان تازه دامادی می شود که صبح اول ازدواج با عروس به پارک برای قدم زدن می رود و می بیند که در چندین مورد جوانان هرزه پارک اسم کوچک همسرش را می برند و به یکدیگر نشان می دهند آیا این است آغاز یک زندگی!

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : ﴿إِيَّاكُمْ وَ خَضْرَاءَ الدَّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنبِتِ السَّوِّءِ﴾

پرهیزید از خضراء دمن پرسیدند: خضراء دمن چیست؟ فرمود: ازدواج با دختر زیبایی که در خانواده بد تربیت شده است.



## ۹- عرفان های کاذب بجای معرفت خدا:

عرفان از ریشه معرفت و شناخت است و لازمه زندگی هر صاحب عقلی است یکی از خواسته های اهل دعا در مواقع استجابت دعا درخواست معرفت است و در قنوت نماز از خدا می خواهیم:  
 اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ ... اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ ...  
 اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ<sup>۱</sup>

و در دعای امام زمان علیه السلام از جمله خواسته های یکی عرفان الحُرْمَه است و دعای عرفه امام حسین علیه السلام دعای شناخت و معرفت است.

راه رسیدن به معرفت واقعی قرآن و راه

۱. .. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۱؛ ص ۳۳۷





اهل بیت علیهم السلام است زیرا قرآن حاوی دستورات مستقیم الهی و اهل بیت مفسران آن دستوراتند و غیر از این طریق راههای متزلزل و باطلی است که رونده آن ره به بیراهه و باتلاق می برد و متاسفانه کج فهمان، حسودان، رهبران باطل و دنیا طلبان و اقطاب جعلی و بی سواد به تبع رهبران سقیفه بنی ساعده ادعای عرفان کرده و می کنند و عده‌ای جاهل یا ساده لوح را بجای خدا به خود دعوت می کنند و به مطامع دنیا رسیده و کاری به آخرت خودشان و دیگران ندارند زیرا اعتقاد درستی به این گونه مسائل ندارند: **يَقُولُونَ بِالْإِسْنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ** (آنها به زبان چیزی می گویند که در دل ندارند) چند سال قبل وزرات اطلاعات شخصی را دستگیر کرد که فاقد هر گونه سوادى حتى در حد خواندن و نوشتن بود که مدعى رئيس يك فرقه از فرق صوفيه شده و با نام مجذوب على شاه مشهور بود و كتابى از كتب صوفيان قديم را گرفته برگه اول آنرا جدا کرده و صفحه اى با عكس و نام خودش تحت همين عنوان فوق الذكر به آن الصاق کرده بود و نظر به اينکه مقدارى از صوت خوشى برخوردار بود قيافه اى كاملاً مصنوعى و آرایش مذهبی نما برای خویش تدارک کرده و با لباسی سفید و شالی سفید بر سر در صدر مجلسی نشسته و آرام آواز می خواند و جلسه اى که پر بود از جوانان پسر و دختر در حال کیف و لذت



و رقص و پایکوبی بودند! و زمین ادب و شانه و دست و زانوی او را جنسین مختلفین می بوسیدند! تا اینجا چیزهائی بود که از مجالس این شخص فیلم گرفته و برای ائمه جمعه کشور به نمایش گذاشتند و پس از آن که لباس از تن او بیرون آمد و آن آرایش مصنوعی و آبروهای بهم پیوسته قلم کاری شسته شد و موهای روی شانه ریخته که یا کلاه گیس بود و یا موی سرش بود تراشیده شده قیافه ای ساخته شد که نگاهش کفاره داشت و وقتی که با او مصاحبه کردند گفت: پدرم رفتگر شهرداری و صوفی بود و کمی صدای خوبی داشت در جلساتش گاهی مرا هم می برد و من که قُطب های پدرم را می دیدم که نه سوادى دارند و نه هیچ امتیاز دیگری در دوران سربازی به این فکر افتادم که پس از خدمت سربازی ادعای قُطب گری کنم آدمم و این کار را کردم و با امتیازی که به خاطر صدای خوبم بر قبلی ها و بر پدرم داشتم کارم گرفت و این بساطی که می بینید راه افتاد!



## ۱۰- استخاره بجای مشورت:

استخاره در حقیقت طلب خیر است و این طلب خیر گاهی از مشورت و گاهی از طریق سؤال محقق می شود و گاهی هم که انسان از این دو طریق به یک تصمیم جدی نرسید بر اساس روایات به قرآن تفأل می زند و از دو دلی در آمده و اقدام می نماید، و این بدان معناست که جایگاه مشورت و تفکر جایگاه شریفی است و فقط در مواقع اضطرار است که انسان باید متوسل به استخاره شود آنهم به ترتیبی که دستورش را در شرع مقدس تایید فرموده است ولی در عرف بعضی از افراد قضیه غیر از این است یا در حد افراطی گری متوسل به استخاره می شوند و یا خدای نکرده به فال و

فالگیری پناه می برند و در این مسیر که عده ای با فالگیری نان می خورند.

فالگیری و جادو و به دلیل از غیب خبر دادن دگانی است که دکاندارانی پول پرست و بی سواد به راه انداخته و با سر کتاب باز کردن مردمی را سر کیسه می کنند!

دعا نویسی نیز دستی در این مغازها دارد که آن هم در بسیاری از مواقع از جنس سالوسگری و اغفال است چرا که دعاهای زیادی را دیده ایم و دیده اید که نه خط آن قابل خواندن است و نه محتوایش ریشه در حدیث و آیه دارد و نه نویسنده اش سواد! ، آن را در پارچه ای ترجیحا سبز می پوشند و مقداری دار و دوی دیگر نیز قاطی اش می کنند و بعد سفارش اکید می کنند که نباید این دوخته باز شود و آن دعا دیده شود و گرنه باطل می شود!

شما را به خدا ما در دین چنین اسرار مگویی داریم؟! مگر مجموعه دعاهای مستند و ماثوره در مفاتیح نیست و مگر مفاتیح در خانه های ما نیست و مگر جائی از آن هست که نخوانید و ندانید تا اثر کند؟! هم اکنون که این سطور را می نویسم شاید بیش از دهها دعا از این قبیل که دیگرانی مراجعه کرده و جرأت خواندنش را نداشته اند و درنزد حقیر هست همه را باز کرده و خوانده و بی اساس بودن آن ها را به دهها نفر گفته ام، در میان اینان که این دکان های متاسفانه پُر مشتری را دارند عده ای





افراد چشم ناپاکی هستند که به عنوان مثال به زن جوانی گفته بودند این دعا دعای مهمی است ولی باید روی کمرت با دست بنویسم و ...!

از بحث دور شدیم خداوند فکر و اندیشه و عقل را به انسان داده و همه اینها برای راهنمایی در اختیارش می باشند اگر تجربه و مشورت نیز به اینها اضافه شود یقیناً انسان به سر منزل مقصود می رسد.

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس از کتاب خدا پیروی کند خداوند او را از گمراهی در دنیا نجات می بخشد.

تا کنون از سیره و روش ائمه معصومین علیهم السلام چقدر شنیده اید که با استخاره یا فالگیری کاری را به پیش برده باشند؟!

از فالگیری پرسیدم: از ته مانده استکان قهوه چه سرنوشتی را برای مردم می فهمی که هیچ مرجع تقلیدی نتوانسته بفهمد؟! سپس پرسیدم سوادت چقدر است؟ گفت: هیچ گفتم: فوت و فن کوزه گری را از که آموخته ای؟ گفت در اهواز همسایه ای داشتیم از او آموختیم که البته او هم مسیحی بود! گفتم: می دانی این پولی که می گیری حرام است؟ گفت: چه کنم دو سه دانشجو دارم خرج دارند!!

مایه تاسف نیست که امتی این قدر ساده لوح باشند که بازار چنین افرادی را گرم کرده و از

پول خود بگذرند و گاهی از باورهای دینی اصیل  
خویش خداحافظی کنند؟!

ترک واجب کرده و سنت بجا آورده ایم



۳۸



## ۱۱- عطسه بجای تدبیر:

یکی از دلایل سلامت و راههای سبک شدن انسان و نیز یکی از نشانه های سرما خوردگی یا به نوعی قلقلک مخاط بینی عطسه کردن است حال این امری که یک امر قهری و طبیعی و جایگاهش بهداشت است در فکر و اندیشه بعضی عوام یا بعضی از خواص! عامل انجام یا ترک یک اقدام می شود که گاهی که مقدمات یک کاری انجام گرفته و با یک عطسه کردن آن کار و یا آن اقدام کلاً از دست می رود با این بهانه که صبر آمد!! سوال اینجا است که اگر انجام کار مانع شرعی ندارد و دارای عیب عرفی نیز نمی باشد چرا انجام نگیرد و اگر این عیوب را دارد چرا انجام بگیرد!



بالاخره یک عملی یا واجب است یا حرام یا مکره و یا مستحب و یا مباح و تکلیف دیگری به اسم صبر آمدن از ناحیه عطسه کردن جایگاهی عقلائی ندارد، بلی از امام معصوم شنیدند که در جواب کسی که عطسه کرد فرمود: دو سه روز تضمین سلامت برای او در این عطسه بود که این هم یک مسئله بهداشتی و طبی است، اما این که مثلا تمام مقدمات یک ازدواج فراهم شده و با یک عطسه بر هم می خورد یا تمامی مقدمات یک مسافرت با عطسه ای از هم می پاشد توجیه عقلائی ندارد.

عطسه به دلیل این که پیام سلامت شخص است جوابی دارد که **يَرْحَمُكَ اللَّهُ** است یعنی خدا تو را مورد رحمتش قرار دهد.

آنچه لازم و گاهی واجب و عقلائی هست تدبیر در امور است یعنی در آغاز هر کاری انسان عاقبت کار و مشروع بودن آن را مورد دقت قرار می دهد که اگر شرعی و عقلی و شدنی بود انجام می دهد و اگر نبود یا حداقل فکر من به خوب و بد بودن آن نرسید این اقدام را با دیگران مشورت می کنم که این سفارش خداوند است: **وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ** و پس از این که خاطر من جمع شد اقدام نمایم.

قال **عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ**: ﴿التَّوْبَةُ قَبْلَ الْعَمَلِ يُؤْمِنُكَ مِنَ النَّدَمِ﴾





دور اندیشی قبل از انجام کار، تو را از پشیمانی  
در امان می دارد.<sup>۱</sup>

گاهی خرافات بجای حقایق می نشینند و با  
جلوه های که دارند واقعیت ها را از صحنه دور می  
کنند، ظریفی تشبیه می کرد: از خرافات به پوشال  
داخل کیف و از علم به کتاب و دفتر داخل آن،  
کیف وقتی پر از کتاب و دفتر و نوشت افزار نیست  
پُر از پوشال می شود تا پُر جلوه کند ولی اگر از  
ابزار علمی پُر شود نیازی به پوشال بی مقدار ندارد.



## ۱۲- اسفند بجای وان یکاد:

خداوند بر انسان امتیازی هم چون عقل و عمل و اندیشه آفریده و گفته است ملاک دین تو، همین عقلی است که هر چه عقل قضاوت کند شرع نیز بر اساس آن حکم می کند: **كَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ**، گیاهانی را خداوند آفریده و خواصّ گوناگونی در آن تعبیه فرموده است اسفند از جمله گیاهانی است که تا کنون چند خاصیت آن کشف شده، و ظاهراً در دود این گیاه خاصیت ضد عفونی نیز هست، حال این که بر چه اساسی ما از این گیاه خاصیت معنوی استنساخ کرده و در هر مناسبتی از آن استفاده می کنیم و گاهی بدون هیچ سندی آن را به معصومین نسبت می دهیم باید

ریشه یابی کرد.

در جایی دیدم که عده ای مشغول زحمت کشی‌اند و پشت بامی را چند نفری اندود می‌کنند و یک نفر با ظرفی از آتش و اسفندی که بر روی آن ریخته از در آمد، این چنین می‌گفت: یک دانه سپند هزار و یک دانه سپند می‌سوخند نبی سپند از بهر گزند چشم بد خلق را سپند است نجات بر قبه پر نور محمد صلی الله علیه و آله صلوات!! البته خاصیت این کار اگر همان صلواتی باشد که بر قبه پر نور محمد فرستاده شده است خوب است اما این که این کار را به نبی مکرم اسلام نسبت بدهیم سند می‌خواهد به او گفتم اگر این شعر را در ماه رمضان بخوانی چون نسبت بی‌سندی به پیامبر داده‌ای روزه ات باطل می‌شود اگر کفاره جمع نداشته باشد لااقل کفاره دارد.

اسفند را به شکل زیبایی در نخ کشیده و برای حفظ خانه از گزند حوادث و ماشین از تصادفات و گردن کودک از چشم زخم چه ریشه و سندی دارد؟

حال سوال اینجاست که آیا چشم زخم خرافی است و اگر نیست راهی برای مقابله دارد یا نه؟

جوابش این است که چشم زخم در قرآن آمده است و اتفاقاً خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است که:



﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ﴾

البته نزدیک است که کافران به چشمان (بد) خود (چشم زخم ززند) تا تو را را از پا در آورند، آن گاه که آیات قرآن بشنوند و (چون در فصاحتش حیرت کنند از شدت حسد) گویند که این شخص دیوانه است.

آیه ای که ذکر شد را مسلمانان و معتقدان به قرآن برای نجات از چشم زخم همراه خود با کودکانشان دارند و یا آن را نوشته و بر سر در خانه یا محل کارشان نصب می کنند که این کار هم توجیه عقلی دارد هم شرعی زیرا در سایه قرآن انسان از کلیه بلیات مصون می ماند و این خاصیت همه آیات خداوند است.

کارهای دیگری که بعضی برای دفع چشم زخم انجام می دهند از قبیل این که نام افراد بی گناهی را بر چیزی مانند تخم مرغ می نویسند و با گفتن آن نام آنرا فشار می دهند، هر گاه شکست صاحب آن نام را عامل چشم زخم خود یا فرزند خود می دانند که این کار از ناپسندترین کارهاست زیرا هم غیبت است و هم تهمت و هم سوء ظن به افراد بی گناه هم اصراف و همه اینها از نظر اسلام اعمالی خلاف شرع می باشند.

در بیان امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: **الْعَيْنُ  
حَقٌّ وَالرَّقَى حَقٌّ؛** چشم زخم حق است و توسل به  
دعا برای دفع آن نیز حق.





### ۱۳- آس بجای نماز باران:

گفته اند اگر مردم زکات مالشان را بپردازند خداوند باران رحمتش را فرو می فرستد و اگر صدقات مردم زیاد شود برکات خدا هم زیاد خواهد شد و مردم اگر در رویه و روش زندگی تغییر کنند خداوند نیز نعماتش را تغییر خواهد داد اینها و صدها آیه و حدیث کلام بزرگان بدلیل این هست که بشر همواره در حال امتحان و آزمایش است وقتی که یک درهم صدقه دفع هفتاد بلا می کند یقیناً زکات سبب نزول رحمت و دفع بلا می شود، آس یا هر طعام و غذائی که انسان به مردم بخوراند کار بسیار خوب و پسندیده ای است اما ذکر و ورد مخصوص، آنهم یا از شنیده های بی معنا



یا نوشته‌های بی سند و یا با رسم‌های بی سابقه یا سابقه‌دار در اقوام قبل از اسلام واقعا کاری که در شأن اسلام عزیز باشد نیست.

در دستورات اسلام آداب نماز باران را شنیده‌اید که با سه روز پشت سر هم روزه گرفتن و سپس با سر و پای برهنه به صحرا رفتن و حتی گاهی گوسفندان کوچک را از مادرانشان جدا کردن سبب رحمت الهی می‌شود و برای انسان‌های موجود هم درسی است که ببینند خداوند بوسیله گوسفندان بی گناه به شما گناه کاران رزق و روزی و باران می‌دهد، نمازی با سوز و گداز خوانده می‌شود و دعا‌های زیادی که در این اجتماع عبادی سفارش شده همه دلیل بر این است که کارد به استخوان رسیده و باید خداوند مرحمتی خاص بکند که در اعصار قدیم و جدید نمازهای بارانی خوانده شده و باران الهی هم نازل شد.

گاهی دیده شده عده زیادی پای درخت خاصی آتش باران می‌پزند و به آن درخت پارچه کهنه و رشته می‌بندند و سپس با عقائد خاصی منتظر حل مشکلاتشان می‌شوند آتش و غذا دادن خوب است ولی مشکل گشا دانستن آن کاری در شأن آئین حیات بخش اسلام نیست، تبرک جستن به بعضی از اشیاء متبرک خوب است ولی به رسم تبرک نخ‌های پرده کعبه را کشیدن و آنرا خراب کردن کار پسندیده‌ای نیست، زیر سایه درخت نشستن و دعا

خواندن پسندیده است اما نخ و گره زده و شاخه ها را با مُراد و حاجتی شکستن جزء دستورات دین نیست و گاهی باعث وَهَن دین و دین داران می شود شکمی را سیر کردن عمل خوشایندی است لکن روی هر آشی اسم خاصّی گذاشتن و دستور خاصی برای آن صادر کردن در شأن مکتب اسلام و تشیع نمی باشد.

یعنی از همان رسوم جاهلی اند که پیامبر ﷺ فرمود: ﴿وَأَمِ اتَّ امْرَ الْجَاهِلِيَّةِ اِلَّا مَا سَنَّهُ الْاِسْلَامُ﴾

رسم های جاهلیت را بمیران مگر آنهایی را که اسلام مهر تایید بر آنها زده است.

در برخی از مکان ها گاوی را که از فرط گرسنگی و یا تشنگی صدا کند را به دور روستا یا شهر می گردانند تا بوسیله آن خدا باران بفرستد! که در جاهلیت این کار را نسبت به قور باغه ها انجام می دادند آنهم بدین صورت که این حیوان را روی سینی داغی که شعله ای در زیر آن روشن است می گذاشتند تا از سوزش زیاد فریاد بزند و مثلاً خدا بخاطر او باران بفرستد! و امثال اینها.







## ۱۴ - مهریه زیاد بجای مهر:

مهریه و صداق دلیل محبت و صداقت است و در ازدواج برای اثبات صداقت حاضر به پرداخت مهریه و صداق می شوند عده ای که در این قضایای افراطی تصمیم می گیرند این مهریه را بجای قیمت دختر حساب کرده و در چک و چانه های مهریه می خواهند از دخترشان دفاع کنند و لذا مهریه را سنگین می گیرند تا چشم رقیبانشان از تعجب باز بماند.

شما را بخدا از زمانی که مهریه از باب چشم و هم چشمی زیاد شده آمار طلاق بالا رفته یا پایین آمده است؟! اگر مهریه مهر می آورد نباید آمار طلاق کشور اسلامی در ردیف چهارم دنیا باشد! گفته اند هیچ بنائی ار بنای ازدواج بهتر و پسندیده تر نیست و هیچ حاللی از طلاق شوم تر و بدتر نمی باشد.



امروز که رسم شده هنوز چند روز از اوّل زندگی نگذشته سخن از طلاق چه بصورت دادگاهی چه بصورت توافقی به میان می آید هم مهریه‌ها سنگین هستند و هم جهیزیه‌ها گران قیمت و مُدرن هستند حال سؤال این است که این همه سگّه طلا و یا در عرف اخیر شمش طلا که به عدد سال تولّد و یا شماره شناسنامه و امثال این‌ها می‌گذارند باید تضمین کننده بقای زندگی باشد و هر چه مهریه سنگین تر باید طلاق کمتر باشد در حالی آمار نشان می‌دهد قضیه بر عکس است!

انسانیت و مروّت اگر در زندگی نباشد همه پولهای دنیا نمی‌توانند کاری بکنند زیرا با پول مهریه سنگین مهر و محبّت ایجاد نمی‌شود.

غالباً به و عده‌های بلند پروازانه عمل نمی‌شود آیا واقعاً آن کسی که مهریه خودش را سفر به دور دنیا یا به کل کشورهای جهان قرار می‌دهد به آن عمل می‌کند! یا این تصمیمی از جمله تصمیمات انفجاری و آنی است و پس از چند روز به بوته فراموشی سپرده می‌شود، ما چه حکیمانه مکتبی را داریم که می‌فرماید بدون مهریه عقد نبندید و مهریه‌های سنگین هم قرار ندهید، پسری را سراغ دارم که به دور از چشم پدر و مادرش تحت احساسات غریزی قرار گرفته و هزار سکه مهر کرده بود که شاید بتوان گفت از مال دنیا پول تاکسی که به خانه عروس برود را نداشت و در



همان دوران عقد زندگی اش از هم پاشید و تصمیم بر طلاق گرفتند.

طلاق که واژه نا پسندی در مکتب ما می باشد در دنیای از ما بهتران پیشرفت روز افزونی دارد و خدا نکند که ما به آنها برسیم.

رشد روز افزون طلاق در آلمان باعث ایجاد شغل‌های از قبیل حقوقدانان طلاق، روانشناسان طلاق، وکلای طلاق مشاوران طلاق، نویسندگان و مجلات تخصصی طلاق و... شده است!

موسسه آمار و آموزش ملی اقتصاد کشور فرانسه نوشته است: در این کشور از هر دو ازدواج یکی به طلاق می انجامد آمار طلاق در کشور فرانسه، سالیانه ۱۱۵۰۰۰ مورد است که این رقم، چهار برابر میزان طلاق در ۳۰ سال گذشته است که بیش از ۷۵٪ موارد، زنان متقاضی طلاق هستند.

در اتریش نرخ طلاق بیش از پنجاه درصد است که این رقم در وین پایتخت این کشور به ۶۶٪ در صد می رسد که یکی از بالاترین نرخ طلاق در کشور های اروپایی محسوب می شود.

نتیجه ای که از این مختصر می گیریم این است که مهریه های سنگین و زرق و برق های زندگی باعث مهر و محبت و بقای زندگی نمی شود و خلاصه اش این است که مهریه به تنهایی مهربانی نمی آورد.



## ۱۵- خرافات بجای توضیح المسائل:

انسان در مسیر تکلیف دینی یا باید صاحب نظر و کارشناس دینی باشد یا با حفظ احتیاط، جوانب امور را بسنجد و به دقیق ترین و پسندیده ترینش عمل کند و یا اگر از این دو گروه نیست از صاحب نظران و کارشناسان دینی تقلید نماید تا به وظیفه دینی خود عمل کرده باشد و غیر از این سه طریق راه به بیراهه خواهد برد.

شیادانی در مسیر انسان راه چهارم و پنجمی را فرا راه انسان قرار داده اند که یا عرفان کاذب است و یا خرافات محض و در این مسیر بساط انداخته و بازار گرم داغی دارند انسان دارای فطرتی خدا جو است و مانند تشنه ای که به دنبال آب می رود



به دنبال قانع کردن و سیراب نمودن فطرتش در حرکت است، اگر در این راه کسی توانست پاسخی گول زننده برای او پیدا کند خواهد توانست برای مدتی او را اغفال کرده و از او سوء استفاده نماید همچون کودکی را که به دنبال شیر مادر است و او را با پستانک پلاستیکی برای مدت کوتاهی گول می زنند کمونیست در دنیا با مردم چنین رفتاری نمود و بسیاری از مکاتب مادی دنیا با جمعی از ساده لوحان چنین کردند. امروز مدعیان دروغین عرفان فراوانند، امروز نو آوران مذهبی هر روز مذهب تازه ای خلق کرده و متأسفانه مردمی را همه دور خود جمع می کنند پرستشهای قارچ گونه ای شش جهت اصلی همه را فرا گرفته و هر کدام مردم را به سوی خود می خوانند پرستش های مضحکی همچون شیطان پرستی و امثال آنها، به دلیل گم کردن راه روشنی است که فراموش کرده ایم راه روشن راهی است که بر گرفته از قرآن و حدیث است و به وسیله کار شناسان دینی نشان داده می شود، خلاصه قرآن و سنت و اجماع علماء و عقل یعنی رساله توضیح المسائل مرجع اعلم است که تمامی باید ها و نبایدهای دینی را نوشته و در اختیار ما گذاشته است.

خنده آور است که یک عده به دنبال اقطابی بی سواد و بعضاً بی دین راه افتاده و کور کورانه مجموعه ای از خرافات را از آنها می گیرند و عمل



می‌کنند و نام این کار را تقلید نمی‌گذارند ولی به پیروی از رساله توضیح المسائل که می‌رسند و می‌دانند که فقیهی عادل و کارشناس متبحر آن را نوشته است تقلید را زیر سؤال برده و می‌گویند: مگر انسان عقل ندارد که باید از دیگری تقلید کند!!

شرح حال غالب اقطاب که مورد بررسی قرار می‌گیرد مشخص می‌شود که غالباً در اواخر یا آخرین لحظه عمرشان از بدعت گذاری و مذهب تراشی خود پشیمانند و بنای توبه دارند که البته توبه بدعت گذار پذیرفته نمی‌شود زیرا با انحراف خود عده‌ای دیگر را نیز منحرف کرده پس گناه شخصی نیست که توبه شخصی بتواند علاجش کند.

در برخی از خانه‌ها به جای رساله احکام که همان توضیح المسائل است کتاب‌های پیشگوئی یا فال حافظ یا داستان‌های رستم اسفندیار که در مجموع یک رمان جالبی بیش نیست موجود است و با فال و پیشگوئی و شعر و مثنوی روزگار می‌گذرانند که هیچ کدام از اینها دردی را دوا نمی‌کنند بلکه دردی بر دردها می‌افزایند.

نتیجه این است که چیزی نمی‌تواند جایگزین رساله باشد زیرا رساله چکیده یک عمر توأم با علوم مختلفه و بر گرفته از قرآن و حدیث و اجماع و عقل است.



## ۱۶- تزئین مسجد به جای کار فرهنگی:

مسجد در حقیقت خانه خدا، محل پرستش خدا جایگاه معرفی خدا است و مسجد سازی از سفارشات دین ماست که گفته اند هر کس مسجدی حتی به اندازه قفس مرغی بسازد فردای قیامت خدا در بهشت به او خانه ای خواهد داد و از ثواب نماز گزارانی که در آن مسجد عبادت خواهند کرد بهره مند خواهد بود.

شرائطی که در مسجد سازی باید رعایت شود این است که مسجد بر روی زمین پاک و با مال حلال و با نیت خالص و از روی ایمان و اعتقاد قلبی ساخته شود که قرآن مجید می فرماید: ﴿إِنَّمَا



يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ﴿۱﴾:  
 مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به  
 خدا و روز قیامت آورده است.

مسجد باید زیبایی و در عین حال سادگی  
 خودش را داشته باشد برخی از زینت‌ها در خور  
 شخصیت مساجد نیستند یعنی مسجد را نمی‌توان  
 با زینت‌های مادی و زرق و برقها آرایش کرد زیرا  
 اینها شاید به نام زینت دادن به مسجد باشد لکن در  
 حقیقت از شخصیت مسجد کاستن است، در مقام  
 تشبیه اگر یک شخصیت علمی بزرگ همچون یک  
 مرجع تقلید را که بخواهیم احترام کنیم بالباس‌های  
 زرد و سرخ و حمایل کردن طلا به سر و گردن او  
 این کار را انجام دهیم چقدر غیر معمول و ناپسند  
 است! مسجد خانه عبادت و محل ارتباط مستقیم  
 با خداوند است و در دیوار آن باید یاد آور یاد خدا  
 باشد و با زینت‌های ظاهری و سبک از معنویت آن  
 کاسته می‌شود.

در مسجد باید هشت موهبت به انسان برسد:

- ۱- برادر مؤمن و ارزشمندی برای خود در  
 مسجد پیدا کند
- ۲- با علم و دانشی تازه آشنا شود.
- ۳- اعتقاداتش محکم تر شود.
- ۴- کلامی جدید که مایه راهنمایی اش شود را در  
 مسجد بشنود.





۵- به حاجتی از حاجت های مشروع برسد.

۶- از گناهی دوری کند.

۷- حیاء مانعش شود و چون مسجدی شده گناه نکند.

۸- بدلیل ترس از خدا از گناهی که کرده دست بکشد.<sup>۱</sup>

در تفسیر آیه ای که تعمیر مسجد را عنوان می کند آمده است رسول الله ﷺ به ابی ذر فرمود:

کسی که دعوت خدا را اجابت کند و در تعمیر مساجد بکوشد ثواب آن از جانب خداوند بهشت است. ابوذر پرسید: تعمیر مساجد چگونه است؟ رسول الله ﷺ فرمود: ۱- در آنجا با صدای بلند سخن نگوئید. ۲- حرف باطل و سخن نادرست نگوئید. ۳- داد و ستد و خرید و فروش نکنید. ۴- از زیاده گوئی پرهیز کنید که اگر این ها رارعايت نکردید در روز قیامت غیر خود کسی دیگر را ملامت نخواهید کرد.<sup>۲</sup>

مسجدی که این قدر حرمت و عظمت دارد و شرائط حضور در آن این قدر زیاد است را بدل به محلی برای حرف های سیاسی، بازاری و بی اساس کردن، پائین آوردن شأن و شوکت آن است. مسجد النبى و مسجد الحرام از نظر آراستگی و

۱. وسائل الشیعه ج ۳ ص ۴۸۰

۲. وسائل الشیعه ج ۳ ص ۵۰۷

زیبائی هر دو زیبایند و خرج های زیاد و کارهای مطلوبی در آن انجام گرفته که قابل تقدیر است لکن در میان این همه زیبایی ظاهری از زیبایی معنوی آن که در مرکز آن است و زادگاه ولی بزرگ خدا بعد از رسول الله ﷺ است در این مکان مقدس واقع است جمله ای به زبان نمی آید عده ای از خود ما شیعیان وقتی به مسجد النبی می رسیم چند سوال بی اساس داریم که این مسجد چند تا ستون یا در دارد و یا سنگ های آن از کدام کشور تأمین می شود، معمارش تبعه کدام کشور بوده و دو سه سوال مذهبی تر این که ستون توبه کجاست؟ و محل اصحاب صفه در کدام قسمت است؟ و کمتر زمینه ای فراهم است که از علی علیه السلام یعنی فرد دوم عالم بپرسد که اگر هم بپرسد بی جواب می ماند!





## ۱۷- سوء استفاده از مقام سید بودن به جای جلب آبرو:

سیادت و سیّد بودن یک آبروی خدادادی به فرزندان پیامبر آخرالزمان صلوات الله علیه است که منسوبین به آن حضرت به خاطر حرمت آن بزرگوار محترم شمرده می‌شوند و این از باب روحیه قدر شناسی هر امتی نسبت به پیشوای خود می‌باشد که خانواده و فرزندان امام یا رهبرشان را احترام می‌کنند، داشتن مقام سیادت چیزی نیست که بر اساس لیاقت اکتسابی بدست کسی رسیده باشد بلکه به صورت طبیعی است که مثلاً من از این سلسله جلیله قرار گرفته‌ام و به حرمت آنان به



من حرمت می گذارند.

حال باید دید که من با این موهبت خدادادی چگونه برخوردی داشته و دارم؟!

مردمی که دست پیامبرشان را ندیده اند ولی از دور دست فرزندان آنان که چهارده قرن بعد از او به نام سادات زندگی می کنند را می بوسند مردمی حق شناسند که از این فاصله زمانی و مکانی احترام پیامبرشان را نگه می دارند، در زمان رسول خدا ﷺ عده ای برای تبرک جستن به آب وضوی پیامبر ﷺ بر یکدیگر پیشی می گرفتند و امروز که دسترسی ندارند این سبقت گرفتن را در تبرک جستن به بوسیدن عمامه و شانه و دست سادات می جویند.

باید دید ما در قبال این آبروی بزرگی که از رسول خدا ﷺ گرفته ایم و بدون هیچ رنج و مشقتی در بین مردم آبرو داریم چه کرده ایم آیا همچنان که گفته اند مایه آبروی اهل بیت بوده یا خدای نکرده به عکس آن!

بررسی عملکرد بعضی از ما نموداری از قسم دوم بوده است. آفت هایی که از این طریق به میوه شیرین سیادت زده ایم فراوان است که جداً از رسول خدا ﷺ معذرت می خواهیم.

گاهی باعمامه سبز و سیاه و مقام سیادت گدائی کرده ایم و برخلاف سیره آن حضرت چشمان



به دست این و آن بوده و گهگاهی خود را طلبکار دانسته ایم. رسول خدا ﷺ نشسته بودند شخصی به محضرش آمد و گفت: فقیرم و چیزی ندارم، حضرت دستور داد برایش بیل و کلنگ تهیه کنند و به رسم کمک و مساعدت بجای پول بیل و کلنگ را هدیه داد، با این روحیه عزت پروری پیغمبر، اگر ما به عنوان امت او و ما به عنوان نسل او با تن پروری از مردم چیزی بخواهیم این کار نسبت به آن حضرت نوعی جفا و ظلم به حساب نمی آید؟! و گاهی از مقام سیادت حالت های خود برتر بینی به ما دست داده و خود را یک سر و گردن بالاتر از دیگران حساب می کنیم و طبیعی است وقتی چنین اخلاقی پیدا کردیم از دیگران متوقع می شویم و بنا نیست سادات همچون اشراف زاده ها فقط بدلیل اشراف زادگی عزیز باشند بلکه شرافت مربوط به سیادت شرافتی است که اساسش تواضع و فروتنی است که گفته اند: زینَه الشَّرَفِ التَّوَّاضُعُ: زینت انسان شریف فروتنی است، باید دانست که سید و غیر سید هر دو شرافتی مشترک دارند و همچون اصل دین و دینداری است که حضرت علی علیه السلام فرمود: لا شَرَفَ اَعْلَى مِنَ الْاِسْلَامِ: هیچ شرافتی بالاتر از اسلام نیست. و نیز بزرگان دین گفته اند جوانمردی از ثمرات بزرگواری و سیادت است حال بینیم با این اوصافی که ذکر شد آیا ما هم به اندازه ای که از این مقام سیادت آبرو

گرفته‌ایم آبرو داری کرده ایم یا این که از شال سبز سیادت، گاه استفاده تکدی‌گری کرده و در عین حالی که صدقه بر سادات حرام بوده جمع کرده ایم و حتی از همه مهمتر این که در سالهای اخیر از شال سبز سوء استفاده سیاسی کرده و آبروی پیامبر و آبروی سیادت را بر باد فناء داده ایم و این شال سبز را به گردن بی‌نمازها، سگ‌بازها و ولگردهای کوچه و بازار انداختیم؟!





## ۱۸ - مال زیاد بجای مال حلال:

افرادی بجای لقمه حلال بدنبال لقمه می روند در حالی که پیدا کردن لقمه و سیر کردن شکم کاری مشترک بین انسان و حیوان است آنها نیز برای خود و فرزندانشان لقمه یا لاشه یا دانه پیدا می کنند کاری به حلال و حرامش ندارند، انسانی که اشرف مخلوقات است با داشتن عقل و فکر باید آن لقمه را نظارت کند قرآن هم همیشه این توصیه را می فرماید آنجا که می گوید: **فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ**<sup>۱</sup>: باید انسان به غذائی که می خورد بیندیشد. گاهی بعضی افراد فکر می کنند مال زیاد فراهم کردن هنر است و او بخاطر داشتن مغز اقتصادی

۱. عبس آیه ۲۴



به آلف والوفی رسیده در حالی که گاهی بچه ای قنذاقی که پدر ثروتمندی دارد اگر این پدر بمیرد این هم آلف والوف دارد، انسان بی سوادى اگر چنین شرائطى برايش فراهم شود چنین سرنوشتى خواهد داشت و صدها نمونه ديگر، گاهى مال زياد را به رودخانه تشبيه کردند که آلوده به گل و بسيارى از آلودگى هاى ديگر است که از مسير برداشته و با خود مى آورد ولى مال متوسط يا اندک همچون آب تصفيه شده شير آشپزخانه و يا شير سماور است که چندين تصفيه را رد کرده و نوشيدنش با خاطر جمعى صورت مى گيرد.

على عليه السلام فرمود: خَيْرُ اَمْوَالِكَ مَا كَفَاكَ:

بهترین دارائی تو آن است که تو را کفایت کند.

گفته اند که سه گروهند که مال را بر جانشان ترجیح می دهند: ۱- بازرگان دریا ۲- همنشینان پادشاهان ۳- قاضی های رشوه خواری که برای مال دنیا جانشان را به خطر می اندازند.<sup>۱</sup>

ترجیح مال و ثروت بر مال حلال و پاک انسان را حمال اموال قرار داده و شخصیت انسان را زیر سوال می برد.

امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: ﴿الْمَالُ مَادَةُ الشَّهَوَاتِ﴾

مال دنیا سرمایه همه شهوات و هوس بازی ها

است.

۱. جلوه های حکمت ص ۵۲۸





مال زیاد داشتن ناپسند نیست اگر مالی همچون اموال حضرت خدیجه کبری علیها السلام خرج اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله شود بهترین ارزش را دارد، اگر اموالی همچون اموال ثروتمندان مومنی که اقدام به ساخت مدرسه و مسجد و دارالایتام می کنند باشد بسیار مطلوب خواهد بود، اگر انسان با زحمت و مشقت مالی را فراهم کند و حقوق الهی آنرا هم پرداخت نماید و با چنین مالی زندگانی مرفه‌ی را برای خود و عائله اش تهیه کند کاری قابل قبول و پسندیده است که گفته اند از سعادت مرد داشتن خانه وسیع و مرکب خوب است دو آفت در انتظار اموال ما هست یکی وارث و دیگری حوادث و اتفاقاتی که می افتد مال بدون محاسبه انسان و آینده انسان را تباه می کند.

قال علی علیه السلام: ﴿المالُ یفسدُ المالَ﴾

مال دنیا، پایان کار تو را به تباهی می کشاند.

در حقیقت داشتن مال، بلوغ و پختگی می خواهد عده ای ظرفیت داشتن ثروت را ندارند و لذا مالشان آنها را به وادی گناه سوق داده و آن اموال ابزاری می شود که معصیت کار شوند و روز قیامت که روز حسرت هست نتیجه آنرا با عذاب الهی دریافت خواهند نمود، اما اگر همان مال را فرزندان پس از او حلال کنند و استفاده ای مشروع و کارهای خیری را با آن انجام دهند آنان بوسیله همین مال

اهل بهشت می شوند که در حقیقت می توان گفت  
مال دنیا دو بُعدی یا دو خاصیتی می باشد.

ترک واجب کرده و سنت بجا آورده ایم





## ۱۹- غرب پرستی بجای خدا پرستی:

هر پرستشی غیر از پرستش خدا غیر معقول و غیر مقبول است حال این پرستش خواه غرب باشد و یا شرق شخص باشد یا وطن، انسان باشد یا بت فرقی نمی کند، پس واژه پرستش بر هرکسی غیر از خدا اطلاق شود حرف باطلی است، در سالهای اخیر که شاید همان دوران جاهلیت آخری باشد که در روایات از آن یاد شده بت هائی بجای خدا پرستش می شوند در قرن اخیر مردمی با یک سلسله ایسم هائی سرگرم شدند و در حقیقت عمر خود را بیهوده از دست دادند و از دنیا رفتند از قبیل: کمونیسم، ماتریالیسم، سوسیالیسم و امثال اینها که می توان اینها را بت های مترقی آخر الزمان نام گذاری کرد و این



روزها صدها ایسم دیگر هم به آن اضافه شده مثلاً یک زمانی برای عده ای تعبیر غرب زدگی به کار می رفت ولی امروز همانان یا فرزندانشان غرب پرستی را یدک می کشند، اگر در صدر اسلام بت پرستان سیصد و شصت و پنج بت به عدد روزهای سال داشتند امروز این رقم از سیصد و شصت و پنج هزار نیز می گذرد: بت های ثروت، شهوت، قدرت، تعصب، غرور، خود محوری، خرافات، در حال حاضر پرستش می شوند.

جانشین فرمانده نیروی انتظامی اخیراً از متلاشی شدن ۵۰ فرقه انحرافی و دین ستیز در کشور خبر داد که نوعاً با ارتباط های اینترنتی از راه دور کنترل می شدند!

مسخره ترین سخنی که در سالهای اخیر مطرح شده و بنیانگذار خاصی هم ندارد همین شیطان پرستی است زیرا اگر کسی مدعی بنای چنین تفکر سخیف و بی مایه ای باشد خودش مورد استهزاء خاص و عام قرار می گیرد مسئله شیطان پرستی از مواردی است که خود شیطان نیز می خندد؛ زیرا خود شیطان گفته بود: من از بندگی خدا عزل شده ام خدا که از خدائی نیفتاده است! عده ای که چنین رویه ای را باب کرده اند چقدر مغرور هستند اما چه می توان کرد که آدم نمائشی از غرب و شرق عالم، عنان عده ای را بدست گرفته و به هر سمتی که می خواهند آنان را یدک می کشند.



به گزارش تابناک در یکی از باغ های اطراف یکی از شهرها پارتی مختلطی برگزار شده که پس از آگاهی ماموران با مراجعه به محل حدود هشتاد نفر زن و مرد که بیش از دو سوم آنها دختران جوان و زنان بوده اند دستگیر شده اند در این پارتی بیشتر حاضران با مصرف شدید مشروبات الکلی و مواد مخدر حالت غیر عادی داشته و حتی چند نفر از آنها بصورت کاملاً عریان در حال رقص بین حضار بودند، این پارتی، پارتی شیطان پرستی است!

پرستشی که خداوند یعنی خدا از ما خواسته است در حقیقت پاسخی به همان چیزی است که در درون ما فریاد بر آورده است می باشد و آن فریادگر درون همان فطرت خدادادی است همان که همه انبیاء و فرستادگان خدا آمدند تا نگذارند فعالیتش کم شود و نورش کم فروغ گردد..

رسول خدا ﷺ فرمود: خدا را چنان عبادت کن که گوئی او را می بینی زیرا اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.<sup>۱</sup>

اگر چنین پرستشی به سراغمان آمد آقا شدن نتیجه قطعی آن است. قال الحسن رضی الله عنه: مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَبَدَ اللَّهَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ: کسی که بندگی خدا را کند؛ خداوند همه موجودات عالم را بنده او می گرداند.<sup>۲</sup>

۱. کنز العمال ح ۵۲۵۰

۲. مجموعه الورام ج ۲ ص ۱۰۸



## ۲۰- خود باختگی بجای خود باوری:

انسان باید خود را باور داشته باشد چرا که بهترین صُنْع خداوند است، ﴿أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ خدا بر این خلقت مخلوق از سوی خودش تبریک گفته ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ﴾ و او را به موهبت عقل و هوش مفتخر نموده و به همین دلیل اختیارش را به خودش سپرده، راه سر منزل مقصود را نشانش داده، راه بَلَدانِ فروانی در اختیارش گذاشته، الگو و مُدل برایش فرستاده و تمامی بایدها و نبایدهای جهان هستی را گوشزدش کرده:

ای نسخه قدرت الهی که توئی

وی آینه جمال شاهی که توئی

بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست



از خود بطلب هر آنچه خواهی که توئی<sup>۱</sup>  
 اگر خود را باور داشته باشیم همانند آن است که  
 قیمت طلائی که در اختیار داریم را بدایم هرگز آنرا  
 از دست نداده و ارزان نخواهیم فروخت، کودکی  
 که قیمت آنرا نمی داند اگر چندین سکه در دست  
 داشته باشد همه را با یک شیرینی عوض می کند  
 و یا با یک اسباب بازی مبادله می کند ولی وقتی  
 به کار شناسان قیمت شناس مراجعه می کنیم می  
 بینیم شخصیتی همچون علی علیه السلام می گوید: خود را  
 با کمتر از بهشت معاوضه مکن که در این معامله  
 ضرر خواهی کرد زیرا قیمت تو بهشت است!

تو عالمی و تو خود را نکو نمی داری

تو را رسد به جهان سروری و سر داری  
 البته انسان را با طلا سنجیدن اهانت به شخصیت  
 اوست لکن همان طلا هم وقتی درباره اش  
 هنرنمایی شد و به شکل زینت در آمد جاذبه و  
 ارزش بیشتری پیدا می کند انسان نیز نیاز به باز  
 سازی و تزیین دارد.

قال علی علیه السلام: ﴿المرءُ یوزنُ بقوله و یقومُ بفعله﴾:

انسان با گفتار خود اندازه گرفته می شود و با

کردارش ارزیابی می گردد.<sup>۲</sup>

۱. مولوی

۲. غرر الحکم ح ۱۸۴۸



گر به صورت آدمی انسان بدی

احمد و بو جهل هم یکسان بُدی<sup>۱</sup>

حال این انسانی را که خدا آفریده است هرگز او را به شرقی و غربی تقسیم ننموده است سیاه و سفید و شمالی و جنوبی اش یکی است و همه تحت عنوان انسان از استعداد و ارزش برخوردار است و به او فرموده: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾<sup>۲</sup> بر اثر سعی و تلاش خودت می توانی به درجات بالائی برسی، اگر امروز به عده ای گفته اند جهان سومی و به عده ای لقب از ما بهتران داده اند با قلم ظلم بشری چنین تقسیمی صورت گرفته و هرگز واقعیتی ندارد، انسانها مانند دانه های شانه ای در کنار یکدیگر چیده شده اند و همه دارای استعداد و زمینه پیشرفتند لکن از دیر باز به یک عده ای از مردم جهان گفته اند مترقی و به عده ای عقب مانده، امکانات جهان را به ظلم بین سیاه و سفید تقسیم کرده اند، مناصب و ریاستها را ظالمانه به عده ای داده اند و بالاخره حقوقی بیش از لیاقتشان را به خود اختصاص داده اند و حتی در تصمیم گیری های جهانی یک سهم مربوط به تمامی ملت ها و یک سهم به عنوان حق و تو را به خودشان سپرده اند، در این تقسم بندی انسان به یاد آن پسر بزرگ خانواده می آید که اموال پدر را که تقسیم می کرد می گفت:

زیباتر آنچه مانده زبایا برای تو

بد ای برادر از من واعلی از آن تو





این طاس خالی از من و این کوزه ای که بود  
 پارینه پرزشهد مصفا از آن تو  
 یابوی ریسمان گسل میخ کن زمن  
 مهمیز کله تیز مطلا از آن تو  
 آن دیگ لب شکسته صابون پزی ز من  
 آن چمچه هریسه و حلوا از آن تو  
 این قوچ شاخ کج که زند شاخ از آن من  
 غوغای جنگ قوچ و تماشا از آن تو  
 این استر چموش لگد زن از آن من  
 آن گربه مصاحب بابا از آن تو  
 از صحن خانه تا به لب بام از آن من  
 از بام خانه تا به ثریا از آن تو  
 این که عده ای مردم جهان را به عنوان جهان  
 سومی از همه خیرها محروم کردند این تقسیمات  
 الهی نیست بلکه تقسیم بندی خود مستکبران  
 مستبد عالم است باید به هوش بود و این ظلم و  
 بی داد بشری را نپذیرفت.



## ترک واجب و ذکر صلوات مستحب در اتوبوس‌ها

افرادی به کارهای فرعی و غیرضروری اهمیت بیشتری می دهند، به عنوان مثال در اتوبوس نشسته اند و به سفر می روند ماشین در گردنه ها و یا در جاده‌های باریک متزلزل می شود یا راننده ترمزی ناگهانی می گیرد همه اهل ماشین صلوات می فرستند که صد البته این صلوات هم برای قرب خدا نیست بلکه از ترس جان است ولی به ایستگاه نماز که می رسد از کل یک اتوبوس گاهی چند نفر معدود برای نماز پیاده می شوند!

برای آمدن باران و رفع قحطسالی بیشترین کارهای خرافاتی را انجام می دهند، در یکی



از محله‌های همین کشور خودمان مانند دوران جاهلیت گاو گرسنه و تشنه را در اطراف ده می‌گردانند که از فرط تشنگی سر و صدا کند تا به قول خودشان دل خدا به رحم آمده برای آنها باران بفرستد! یا جمع می‌شوند و آتش باران می‌پزند تا باران بیاید و هزاران قلم از این کارهای باطل یا کم فایده و یا بعضاً حرام را انجام می‌دهند لکن نماز باران که دستور خداست را انجام نمی‌دهند.

برای حل مشکلات زندگی چقدر متوسل به مشکل گشا می‌شوند تا زندگی به سامان برسد و مشکلاتشان حل گردد ولی نماز اول وقت که دستور خدا و رسول است و برای همان حل مشکل هم سفارش به آن شده را انجام نمی‌دهند. برای رفع چشم زخم خرافاتی که بعضاً واقعاً حرام است و افرادی متهم می‌شوند و بعضی از اسراف‌ها انجام داده می‌شود لکن آیه شریفه وَ اِنْ يَكَادُ كِه دَسْتُور خُدَا دَر قُرْآن بَه پِیامبر است را انجام نمی‌دهند.

اسفند که یک گیاه صحراست را دود می‌کنند تا گرفتار چشم زخم نشوند ولی از دعاهای وارده برای همین مسئله استفاده نمی‌کنند.



## خرجهای جابجا

هم در زندگی های شخصی و هم در دولت خرجهائی جابجا داریم که پس از چندی از مصرف کردن بودجه برای آن پشیمان می شویم، به عنوان مثال: اجازه ورود ماشین آلات کشاورزی و تراکتور به کشور دردسر دارد و مالیات فراوانی بر آن تعلق می گیرد اما ورود ماشین های لوکس سواری آزاد و بعضاً بی دردسر است، در حالی که ورود کومباین و تراکتور به کشاورزی و تولید کشور کمک می کند و استقلال مملکت را تضمین می کند و مهیا کننده ارزاق و مایحتاج زندگی مردم است ولی ورود ماشینهای سواری شخصی ترافیک و مزاحمت افراد بی تعهد چیزی در بر ندارد.



نوعاً این دو نوع ماشین دو نوع سرنشین دارد یکی سرنشین یک جوان بیکار پولدار! ادکلن زده و با سر و روی اصلاح اروپائی که تمام ارزش و شخصیت خود را در همین وسیله آهنی و آن قیافه غریبه می داند و به استقلال کشور و هویت ملی ملت می خندد و از زمانی که به دنیا آمده مزاحم کسب و کار و ناموس مردم است نه پدری با غیرت در عمرش دیده و نه مادری با عفت! و یکی از سرنشینان ماشینهای مربوط به کار و زحمت و تولید با لباسی معمولی و در حالی که کمک به استقلال کشور نانی به کف می آورد و با غفلت نمی خورد، از دست رنجش فقیر و یتیم استفاده می کنند و حتی نانی که همان جوان علاف می خورد و الواتی می کند نیز از دسترنج همین سرنشین زحمت کش تراکتور بدست می آید!

بسیاری از وقت ها برای درو کردن یا کوبیدن خرمن و یا حمل و نقل گندم و جو و برنج و محصولات دیگر دو سه روستا در نوبت یکی دو تراکتور هستند و نوبتشان نمی شود و کار به جایی می رسد که همین معطل شدن ها کشاورز را خسته کرده و از کاشتن منصرف می کند ولی بچه پولدار بی درد برای ورود ماشین سواری میلیاردی اش با یک تلفن همه چیز را حل می کند و از گذرگاه مزرعه به آسانی عبور می دهد! یکی از این دو ماشین در بیابان تولید می کند و دیگری در خیابان



ول می گردد و مصرف می کند!

از جمله خرجهای جابجا کم کردن بودجه حوزه‌های علمیه و مساجد و سازمانهای دینی است که واقعاً برای پیشبرد کارشان نیاز به بودجه دارند و گاهی برای چاپ جزوه یا کتابی و گاه برای ارسال کتبی به خارج برای تشنگان حقیقت و گاهی حتی برای تهیه جوایزی برای افراد کلاسهای مذهبی به بن بست بی پولی می رسد و توان اداره این چنین کلاسهایی را ندارند.

اما برای مرمت قبر کورش و حفظ دیوار کهنه های آثار باستانی میلیاردها خرج می شود.

اخیراً شنیده شده حفظ میراث فرهنگی ساختمان کهنه ای در شهری پیدا کرده اند و بناست تجدید بنا کنند که قبور یک عدّه افرادی که غالباً متکبران و بی دردهای آن منطقه را می خواهند همراه صحن و حرم بسازند که این نوع خودش زنده کردن مرده هائی است که جز خود فروشی و عجب چیزی نداشته اند و به برکت انقلاب اسلامی در حقیقت مُردند و مردم از قید نوکری آنها آزاد شدند و اینان با بودجه بیت المال بناست آنها و فرهنگ آنان را زنده کنند و در قبرستانی که در یکسو غیور مردان شهید مدفونند اینان نیز ساختمانی آباد تر داشته باشند و نسل عوام امروز و فرزندان معصوم ما در آینده در تردید قرارگیرند که اینان هم قابل ستایشند! و مردم ظاهربین که چشمشان به زرق



و برق دنیاست این قبور را بر آن مزار راست قامتان  
 زمانه ترجیح می دهند و از طرف دیگر صاحبان  
 این قبوری که همیشه خود را یک سر و گردن از  
 دیگران برتر می دانند زمینه قیافه گیری برای نسل  
 جدید برایشان فراهم می شود سؤال این است که  
 آیا بودجه مملکت روی دست اینها باد کرده یا اینان  
 از تیره و تبار نیاکان مگر به هر نیاکانی می توان  
 افتخار کرد سابقه ما ایرانیان به آتش پرستها هم  
 می خورد پس بیایم نیاکان کافر و آتش پرستان را  
 مفخر خود دانسته و هر چه آثار از آن هاست را  
 به رخ نسل موجود خودمان بکشیم و بگوئیم اینان  
 پدران و مادران ما هستند!



## ۴- ترک احیاء امام زادگان و خرج آثار باستانی

تعمیر بقاع متبرکه یعنی قبور امام زادگان لازم التعظیم از جمله تعظیم شعائر اسلام است که برخی از این بقاع تعمیر شده و بعضی تعطیل هستند و آن هم که تعمیر شده مرکز نشر معارف و معالم دین نیست، در آنجا از کاشیکاری و تزیینی خبری هست ولی از کتاب و کتابخانه و کارهای علمی خبر چندانی نیست به فرموده مقام معظم رهبری امام زادگان ستارگان درخشان هر منطقه ای هستند که.. این بقاع باید کانون هائی برای معرفی امامان مظلومی باشند که صاحبان این قبور شاهد مظلومیت آنان است، همان قبوری که آنقدر اثر مثبت دارد که وهابیت مُلحد و پست و ضدشيعه





تا بتوانند آنها را ویران می کنند، امام زادگانی که در طول تاریخ در هر شهر و روستا و دامنه کوهی که مدفونند مرکز توجه مردم آن منطقه بوده و هستند امروز کانون توجه ما نیستند و آنچنانکه لازم است از آنها بهره نمی گیریم ولی هر جا دیوار کهنه ای از نیاکان بعضاً آتش پرستان یافت می شود خرجهای کلانی می کنیم و بی توجه به اینکه صاحب این بنا که بوده و چه اثر و ثمر وجودی داشته خرجهای زیادی را انجام می دهیم و با کمال تأسف در نقشه های ت که داریم برای آنها گنبد و صحن و امثال آنها می سازیم و این باعث می شود که نسل موجود و جوانان ما به بقاع متبرکه که به خاطر شباهت در ساخت بدین شوند که لابد این بقاع مقدس هم یک روزی سازمانی به عنوان حفظ آثار باستانی ساخته اند!!

اخیراً در یکی از شهرها اطافی باستانی را یافته و از سنگ نوشته هایش پی به قدمت آن برده و درصدد پیاده کردن یک نقشه تفصیلی برای آن هستند که صاحبان چند قبر آنجا هیچ ارزش و جایگاه دینی نداشته اند، جمعی که در آنجا دفن هستند غالباً یک جمع جاه طلب و متکبری بوده اند که پدران ما تاریخ آنها را به وضوح برای ما توضیح داده اند، عده ای از آنها فرعون صفت روی مردم متضعف نام سبک و خفیف می گذاردند و آنها را به نوکری و استخدام خود در می آوردند.



چند سال قبل نیز سازمان میراث فرهنگی مقبره ای در یکی از شهرها را به قول خودش ترمیم کرد و به مرمت گنبد آن پرداخت و خرجهای کلانی را برای تعمیر آن انجام داد و هر چه برخی از از آگاهان منطقه فریاد زدند که این چه کاری است که انجام می دهید گوش نکردند و برای اطراف آن قبر که معلوم نبود مربوط به کدام شاهزاده عیاش و یا قطب منحرف صوفیه ای بود قبور بهترین مؤمنان و مقدس ترین افراد شناخته شده آن شهر و دیار که مردم از آنها خاطرات دینی خوبی داشتند را خراب و هموار کردند تا راهرو و فضای سبز این دردانه‌های میراث باشند!

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: به استخوان پوسیده افرادی که مؤمن و صاحب اثر دینی نیستند افتخار نکنید، این کاری که فقط به نیاکانمان ببالیم کار مردم جاهلیتی بود که به قول سوره مبارکه تکوین همواره به عدد و زیادی آنها فخرفروشی می کردند.

نمی‌خواهم مدعی شوم که دستی در کار است ولی می‌خواهم بگویم که چه چیزی را اهمیت می‌دهیم و در مقابل، چه چیزهایی را ترک می‌کنیم اگر در قضاوتخانه وجدانمان به قضاوت بنشینیم متوجه خواهیم شد که چه مهم‌هایی را رها کرده و چه چیزهایی را مهم تلقی کرده و بودجه بیت المال را خرجش کرده ایم!

گاهی واجب را ترک کرده و سنت بجا می‌آوریم



و گاهی واجب را ترک کرده و بدعتی را رواج می دهیم و این را باید بدانیم که بدعت از گناهان نابخشودنی است و بدعتگذار از کسانی است که توبه ندارد.

سخن ما این است که سخن از دین و دیانت را بشنویم و این قدر گوش به زنگ دنیائی که غیر از همین مشغله ها چیزی ندارند نباشیم و بدانیم که ما بهترین آثار باستانی که قبول داریم و احترام آن را واجب می دانیم قبور مطهر امامان و امام زادگان است که هرچه صرف بودجه و وقت برای آن بشود هنوز کم است.

طی این مرحله بی همراهی خضر مکن  
ظلمات است بترس از خطر گمراهی



## ۱- بستن کمر بند و بستن روسری:

حجاب در اسلام و در ایران و در مدنیّت ما یک امری ارزشی و ملیّ مذهبی است و دستور قرآن مجید و سیرهٔ انسانهای خوب است و بستن کمر بند ایمنی نیز از الزامات رانندگی است، مقایسهٔ این دو از نظر اهمیت قابل تأمل است، ما یک کار خوب را مانند دستور بستن کمر بند مهم دانستیم و آنقدر تذکر دادیم تا اینکه نهادینه شد و ثابت شد که اگر بخواهیم کاری را انجام دهیم می توانیم این در حالی است که اگر طرف کمر بند ایمنی را نبست اگر خطری پیش آمد سرش به شیشه ماشین خورده و گیج می شود یا حتی منجر به فوتش می شود و انسان به دلیل عقلی که خدا به او داده باید از



حوادث مضر جلوگیری کند و در نهایت یک ضرر شخصی را در پی دارد.

اما مسئله نبستن روسری و نداشتن حجاب که در دستور کار به عنوان یک وظیفه محوله تذکر و نهی از آن نیامده است ضرر فردی و اجتماعی و دینی دارد. بدحجابی یا بی حجابی یک منکری است که ضررش باعث بی بندوباری می شود و به قول قرآن در دل کسانی که مریض هستند و سوسه ایجاد می کند، در حقیقت کنار گذاشتن چادر و روسری توهین به پرچم اسلام در کشور اسلامی است، و ما از این ماجرا بی اهمیت عبور می کنیم.

در تخلف از بستن کمر بند یک فرد و احياناً یک خانواده صدمه می بیند و در تخلف از نبستن روسری و مقید نبوده به حجاب یک جامعه صدمه و ضرر می بیند ما در عین حالیکه آنرا مهم می دانیم ولی این بمراتب مهم تر است آنرا کار خوبی می دانیم و این را خوب تر و در حقیقت تذکر آن را لازم و مستحب می دانیم و این را واجب، آن را جزء قوانین مدنی می شماریم و این را جزء قوانین الهی، حال خودتان قضاوت کنید کدام مهم تر است و ما کدام را مهم تر حساب می کنیم!؟

در این چند سال اخیر ثابت شد که اگر کاری را دولت اسلامی بخواهد انجام دهد می تواند کما اینکه همین بستن کمر بند ایمنی را خواست و توانست پس با مشورت و گرفتن جلسات تصمیم



گیری و یک عزم جدی این کار هم شدنی است. مثالی دیگر در این خصوص این است که اگر همین پرچم سه رنگ که یک پارچه ای است که مظهر ملیت کشور ماست پاره شود و یا به نوعی به آن توهین شود توهین کننده تحت تعقیب قرار می گیرد و مجازات می شود که باید هم چنین باشد لکن پوشش و لباس هم که به مراتب از آن مهم تر است مغفول مانده و هر روز از طول و عرض آن کاسته شده و از حالت لباس و پوشش در می آید!

اگر ما به جای پرچم سه رنگ خودمان پرچم کشور دیگری را در سردر خانه یا آنتن ماشینمان نصب کنیم مورد سؤال و طعنه نیستیم؟ پس چرا پوشش ملی خودمان را رنگ و لعاب تمام کشورهای جهان قرار می دهیم و کسی هم تذکر نمی دهد!

ما را چه شده است و به قول قرآن یکجا می رویم که هیچ کشوری لباس ملی ما را نمی پوشد و به آن افتخار نمی کند ولی ما لباس تمام کشورهای دنیا را می پوشیم و به آن افتخار می کنیم و حتی با نوشته انگلیسی هم می پوشیم در حالی که نمی دانیم آن جمله انگلیسی چیست و آن عکسی که روی آن است از کیست!؟

در خیابانهای تهران جلوی ماشینی را که خلاف کرده بود دیدند گرفتند عکس قطره خون بزرگی



روی در ماشینش دارد از او پرسیدند این چیست گفت دیدم بعضی ماشینهای خارجی در یکی از کشورها چنین کرده بودند منمم خوشم آمد و انجام دادم.

به او گفتند آن بعضی ها که روی در ماشینشان عکس قطره ای خون است به خاطر این است که صاحب آن ماشین مبتلا به مرض ایدز است و این کار را کرده اند که اگر تصادف کرد کسانی که می خواهند به او رسیدگی کنند بدانند آلوده به ایدز است و انتقال این مرض هم از ناحیه خون است لذا این کار را برای پیشگیری کرده اند ولی این جوان تقلیدی و چشم و گوش بسته ما چنین کاری را هم باید از غریبه ها تقلید کند و این بلای بزرگ کشور ماست!



### ۳- رواج سودهای کلان بانکی و عدم وام ازدواج:

گاهی بدنبال منشاء برخی از گناهان می گردیم در حالی که نه با تحلیل سیاسی که با حساب دو دو تا چهارتا معلوم است که اگر بانکها بر اساس آنچه در عقود اسلامی آمده است تسهیلاتی فراهم کنند تا وام ازدواج و مسکن را به سهولت و آسانی در اختیار نیازمندان واقعی بگذارند و با سودی که اسلام گفته قانع باشند و به جای نام مقدسی که بر تابلوهایشان گذاشته اند سفارش اولیاء خدا را عملی کنند و از چند چیز صرف نظر کنند تا کار جامعه سهولت پیدا کند آنگاه است که جامعه به آینده کشور اسلامی امیدوار می شوند و اضطراب





از نسل جوان برداشته می شود و آن چند چیز عبارتند از:

الف: ساختمان سازی های پر خرج بانکها که همچون سرمایه داران بی درد از پول مردم بناهای چند طبقه با دکوراسیون های گیج کننده درست کرده و به رخ یکدیگر می کشند باید این روشی که همچنان روبه فزونی است محدود شود تا بلکه بتوان نام اسلام و بانک اسلامی را بر آن نهاد.

ب: جایزه های آنچنانی از پول های همین مردم است و این مردم یعنی سهامداران سرمایه بانکها راضی نیستند، تبلیغاتی که خرج بسیار گزافی دارند و ماشین هائی که به نمایش گذاشته می شود و سکه هائی که از جیب مردم حاتم بخشی می شود از درآمد سودهای کلان بانک است و باید تحت ضابطه یا کنترل قرار گردد

وقتی مسئولی از مسئولان یکی از صندوق های معتبر قرض الحسنه که سابقه دیرینه ای دارد می گوید ما اگر دو درصد سود بگیریم تمامی مخارج برق و آب و گاز و تلفن و مزد کارمندانمان ادا می شود چرا بعضی از صندوق ها با همین نامهای مقدس بیست و چند درصد سود می گیرند، آری خاصیت پول این است که حرص می آورد و انسان حریص را حریص تر کرده که حتی در افتتاح یکی از بانکها میلیونها تومان فقط خرج پذیراییهای آن می شود.



این بانکها و حتی صندوق ها گاهی مایه امید جوانان برای وام ازدواج هستند اما با همه امیدی که به آن بسته اند در نیمه راه دوندگی این وام یا از وام گرفتن پشیمان می شود یا از ازدواج و یا از هر دو یا از اصل زندگی!

بانکها در بعضی از مواقع زبان دین ما را بسته اند و زبان رباخواران کوچه و بازار را باز گذاشته اند زیرا برای بهره های با درصد بالا جوابی برای مردم نداریم لذا بسیاری از علماء مردم را به صندوق های قرض الحسنه خانوادگی تشویق می کنند که نزول در آن نباشد و برخی از مذهبیبون افراطی کل بانک و بانکداری اسلامی را زیر سؤال می برند و نمی دانند که چه می کنند!

شخص رباخواری که سودی کمتر از بانک ها می گیرد و فقط کارش همین جابجائی پول است زیانش علیه السلام و بانکداری اسلامی باز است.

گرچه او از عقود اسلامی آگاه نیست و بلبل زبانی می کند و غالب مردم هم عقود اسلامی را نمی بینند فقط درصد سود را می بینند اگر روزگاری بانکهای ما به سود کمتر راضی باشند و مردم به قوانین بانکی اعتماد داشته باشند، وام کسب و کار بی دردسر شود، وام ازدواج به سهولت انجام گیرد مدیران ارشد بانکها افرادی انقلابی باشند، رویه جاری بانکها به صورتی شفاف برای مردم و برای مراجع عظام تقلید بیان و مورد تأیید قرار بگیرد

ریشه ربا و نزول برکنده خواهد شد و اعتماد مردم  
به بانک‌ها قوی خواهد گردید.

ترک واجب کرده و سنت بجا آورده ایم





## ۶- ترک دل و کارِ گل

امام رضا(ع) فرمود: معالم دین و معارف ما اهل بیت را به مردم بگوئید مردم خودشان به دنبال ما می آیند بر اساس این رهنمود زیبا ما شیعیان وظیفه داریم امامانمان را به جهانیان معرفی کنیم زیرا اعتقادمان این است که امام معصوم امام یک منطقه و یک ملت و یک زمان نیست امام کل عالم است و بلکه براساس گفتار قرآن مجید دنیا و آخرت ما هست.

ما به عنوان متولیان این امامزادگان وظیفه داریم حرمت آنان را نگه داشته و آنان را به دنیا و به ورای مرزها معرفی کنیم ولی متأسفانه ما به جای معرفی آنان را در بین خودمان محبوس کرده و از شعاع



وسیع نور آنان جلوگیری کرده ایم بیگانگان از دین به نام دین فرقه استعماری وهابیت در هر کجای دنیا که حادثه ای رخ می دهد و مردم هر جای عالم که صدمه ای چون سیل و زلزله می بینند به عنوان خادم الحرمین حاضر می شوند و به آنان کمک می کنند و به مصداق الانسان عیید الاحسان که انسانها بنده احسانها هستند دل مردم غریبه ناآشنای با دین را به دین غلط خودشان جذب می کنند که در حقیقت آسیب دیده هائی که گرفتار اینان می شوند درست است که لا اله الا الله می گویند ولی در حقیقت از چاله به پاه افتاده و گرفتار خرافاتی از قبیل آیین وهابیت می شوند آن احسان ها هم از پول نفت و از کیسه مردم است ولی با پول مردم مبلغ یک روش غلطی به نام سلفی گری می شوند. ما هم بودجه امام رئوف یعنی امام هشتم را در اختیار داریم بجای ساخت و ساز همیشگی و حتی ساخت و تخریب با سلیقه های مختلف بیائیم بودجه ای را صرف بدست آوردن دل‌های تشنه حقایق کنیم و با نشر معارف دین و معالم اهل بیت امامت راستین را از مهجوریت درآورده و آنها را آشنا کنیم.

امامت در درون مرز ما و در میان شیعیان مطرح و جاافتاده است به طوری که در طول عمرمان در هر فصلی از سال از زیارت و حرم امام رضا پرسیده ایم می گویند آنقدر شلوغ است که دستمان



به درستی به ضریح مطهر نرسید یا اینکه همیشه و همواره در خانه ها و مساجد و حسینیه ها و رضویه ها به نام اهل بیت ذکر توسل است و می توان گفت در ایران در ترویج این ذوات مقدس ظرفیت تکمیل است و باید کاری کرد که امام رضا و امامت را از مرزها به بیرون معرفی کنیم وقتی با بودجه عربستان کتبی میلیاردی چاپ و مجانی به زائران و حاجیان کل دنیا می دهند هم کتاب و هم سی دی و هم هدایائی برای نرم کردن دلها به سوی وهابیت به افراد می شود چرا که ما که امامنی مظلوم داریم از بودجه امام رضا علیه السلام این کارها را نکنیم، چرا که از کارِ گل به کار دل نپردازیم!

مخارج این چند ساله ای که ما از کودکی تاکنون شاهد بوده ایم برای تغییرات و تعمیرات حرم امام رضا و حتی خرج غذا دادن به زوار می تواند در حد وسیعی به وسیله انسانهای آگاه و اهل شناخت و از طریق سفارتخانه هایمان خرج معرفی امامت به اقصی نقاط عالم شود کتاب ها سی دی ها بسته های فرهنگی تهیه و مورد تأیید عده ای از علماء و بدست عده ای به عنوان سفری عادی به سراسر دنیا و یا از طریق فضای مجازی در میان جهانیان پخش شود آنانی که در دینا زندگی می کنند هم حق دارند امامشان را بشناسند اما در بدینا آمده و در همان تاریکستان کفر هم از دنیا می روند و کلمه ای از امامان یعنی مرشدان بشریت به گوششان



نمی خورد.

به نظر می رسد ما که با ثروت اسلام و نذورات مردم و بودجه بزرگ امام رضا گل بازی کرده و دلها را ترک کرده ایم فردای قیامت مدیون همه گمراهانی باشیم که از خمیر خودشان ندا در دادند و فطرتشان تشنه حقایق اهل بیت و آب هم در دست ما و در اوج تشنگی مردند.

خرجها که بماند که بسیاری بیهوده یا کم فایده است ما برجهای مختلفی هم داریم باز هم متعلق به اسلام است و در حقیقت آب در کوزه ماهست و آنان تشنه لبان گرد جهان می گردند!

به یقین ما می توانیم با بودجه های موجودمان راهی به سوی خدا برای خداجویان خاموش باز کنیم، وقتی که یک نامه یک عالم بی نام و نشان دل ولیعهد انگلیس را به سوی خدا می کشاند و او با درخواست قرآن و کتاب های اسلامی در آستانه تشریف به دین اسلام قرار می گیرد باید یقین کنیم که این فطرتها فریادی خاموش سر داده و منتظر جرقه ما می باشند، پس ما مسئولیم!



## ۷- ترک اشتغال فقراء و کمک های مقطعی:

در اسلام وقتی دستور پرداخت صدقه می دهد منظورش صدقه جهت دار و کارساز است، شخصی در حالی به محضر پیامبر رسید که یک عده ای در محضرش نشسته بودند اظهار نیاز کرد رسول خدا به حاضرین فرمودند کدامیک از شما در خانه کلنگ دارید یک نفر گفت کلنگی دارم ولی دسته ندارد فرمود برو بیاور سپس فرمود یک چوبی هم بیاورید خود حضرت برای آن کلنگ دسته ای درست کرد و کلنگ را تحویل سائل داد که برو با این وسیله کار کن، طرف گرفت و رفت و دو هفته بعد رسول خدا(ص) او را دیدند و احوالش پرسیدند عرض کرد وضعم خیلی خوب





شد زیرا با آن وسیله کار می‌کنم و روزی خود عائله ام را در می‌آورم و محتاج به کسی نیستم حضرت فرمود: این بهتر است یا اینکه من دستم را دراز می‌کردم و یک کمک اندکی جمع می‌شد و به تو تحویل می‌دادم؟ آری رسم اسلام در صدقه دادن همین است و به خاطر همین هست که گفته اند قرض الحسنه هیچ‌ده برابر صدقه اجر و ثواب دارد زیرا در صدقه آبرو می‌شود ولی در قرض گیرنده آن شرمسار می‌شود.

فلسفه صدقه در اسلام براندازی فقر است و با ایجاد اشتغال فقر و ناداری محو می‌شود، کسی که با کمک من شغلی پیدا می‌کند و سرمایه ای به هم می‌زند کم کم به دیگران هم کمک می‌کند، می‌گویند در دولت امام زمان علیه السلام وقتی شخص بخواهد زکوة مال خودش را بپردازد باید مدت‌ها به دنبال فقیر بگردد تا زکوة واجب خودش را پرداخت نماید این معنی مدیریت در اقتصاد در دولت اسلامی است.

صدقات امروز ما فقیر پرور است و فقرا فرین زیرا افراد واجد شرائط و غیر واجد شرائط می‌آیند و مستمری خود را می‌گیرند و می‌روند و برای دیگری هم نقل می‌کنند و در نتیجه در طول یک ماه فقیر ده فقیر می‌شود خوب است در دولت اسلامی استعدادیابی از افراد به عمل بیاید و هر کسی یک هنری بیاموزد و دستش در جیب خودش



باشد فقط سرمایه اولیه را دولت به او کمک نماید. در فرهنگ نامه این تور ماهیگیری باید به افراد داده شود و گرنه اگر خود ماهی را بخشیده ایم در یک وعده غذائی تمام شده فقیر همچنان فقیر می ماند، فقر یک گرفتاری است و در زمان گرفتاری بنایست آبروی شخص گرفتار برای همیشه ریخته شود لذا اولیاء ما کمکهای شبانه داشتند آن هم با صورتی پوشیده تا رو در روی فقیر قرار نگیرند و فقیر را بخاطر گرفتاری فقرش شرمنده نکنند.

فقیری که به خانه امام حسین علیه السلام آمد امام به اندرونی خانه رفت و لباس فاخر و مبلغی قابل توجه برای فقیر آماده کرد ولی آن را از روزنه در به سائل داد و سائل گرفت و رفت تا اینکه شرمساری در رخ به رخ شدن به سراغ فقیر نیاید و شخص فقیر از اینهمه محبت اشکش جاری شده بود گفت: حیف نیست که روزگاری چنین دست هائی به زیر خاک برود؟

دینی که در رهبرش علی همچون یک کارگری در مزرعه کار می کند دینی که امام پنجمش در گرمای ظهر تابستان بیل می زند و خلاصه دینی که امامش چاه آب می کند و در همان لحظه ای که آب جاری می شود آنرا وقف تهیدستان شهرها نماید، این چنین دینی با فقر و بیکاری و آماده خوری مخالف است. فقیری کردن و گدائی دوره ای طولانی لازم ندارد این حرفه ای است که دو سه



بار تمرین در وجود شخص نهادینه می شود یعنی در دفعات اول تا چهارم پنجم شاید اندکی سخت باشد ولی بعداً دیگر مشکلی ندارد، در تکدی کردن دروغ و بدگوئی و بی شخصیتی به وفور دیده می شود ولی در کار کردن عزت نفس و بزرگی روح است مناعت طبع و آقائی میوه درخت بی نیازی از مردم است.

در بعضی از افراد فقر سرآغاز بی دینی و کفرشان می شود که گفته اند:

كَادَ الْفَقْرَانِ يَكُونُ كَفْرًا = فقر می تواند مقدمه کفر باشد.

رهبران راستین اسلام سرمایه زندگی به فقراء می دادند ولی ما به صورت مقطعی به فقیر کمکی می کنیم که صرف دو سه روز خورد و خوراکش می کند و دوباره دستش دراز است تا بقیه روزگارش را به همین صورت بگذراند و این کار مصداق همان ترک واجب کرده و سنت بجا آورده ایم که صد البته باید گفت این کارهای ما سنت صد در صد هم نیست.

در این کشور اگر سرمایه های کمیته و بهزیستی روی هم ریخته و به فراخور هر منطقه ای کارگاههای کار یا زمینه کشاورزی و... ایجاد شود فقر ریشه کن خواهد شد.



## ترک اشتغال و تشویق افراطی به ورزش

همه می‌دانیم که ورزش یک ارزش است و یکی از نیازهای انسان آماده سازی جسم سالم برای روح سالم یک وظیفه است و این را نیز همه می‌دانیم که خود اشتغال به کار هم ورزش محسوب می‌شود، حال بیائیم کلاه خود را قاضی کنیم که آیا ورزش جای اشتغال و کار را می‌گیرد؟ مسلماً خیر، اما به عکس آن کار و اشتغال یقیناً جای ورزش را به خوبی می‌گیرد و به قول طلبگی، جمع مهما ممکن است.

در کشور ما و نیز در جهان امروز چه بودجه‌هائی در خرج ورزشهائی می‌شود که از یک جمعیت صد هزار نفری فقط بیست و دو نفرشان ورزش می‌



کنند و بقیه همانند تماشاگران قمار با اعصابی به هم ریخته و مضطرب ساعت هایی را می گذرانند و باید گفت: برای تماشاگران ورزش، این نه اینکه مفید نیست بلکه به جای تقویت روحیه و یا تقویت جسم از درون به هم ریخته می شوند که گاهی به خاطر همین برد و باخت ها افرادی سکتته و افرادی خودکشی کرده اند!

امروز از بس مسئله عادی و بین المللی شده اگر کسی صحبت از مذمت ورزش نماید او را ولی بی خبر از عالم می دانند در حالی که همین جمله روح سالم در بدن سالم شعار اسلامی و برگرفته از روایات است.

درباره پیشوایان معصوم هیچ جا نداریم که با ورزش بدن خود را قوی کرده اند اما داریم که بیل و کلنگ دست می گرفتند و با آن چاه آب حفر می کردند و یا درخت می کاشتند و یا چشمه و قنات جاری می کردند.

ما اگر مربیانی برای یاد دادن صنایع و هنرها دعوت کنیم سزاوار است اما اگر صرفاً برای تعلیم ورزش با مبالغی میلیاردی کسی را دعوت کنیم و هزاران ناز و کرشمه اش را بخریم سزاوار نیست!

ورزش آنگاه با ارزش است که به فرموده حضرت علی علیه السلام بدن برای اطاعت خدا قوی شود قو علی خدمتک جوارحی و گرنه وقتی



سیاسی شد و یا استعماری گردید و یا حالت قمار به خود گرفت خاصیتی که نخواهد داشت بماند که ضررش همگانی می شود و اکنون برخی از رشته های ورزشی چنین سرنوشتی دارند.

در تعالیم دینی از زبان امام سجاد(ع) داریم که به خداوند عرض می کند: خدایا اگر بناست وجودم چراگاه شیطان باشد مرگم را برسان یعنی زنده بودن و جود سالم و عبادت مفید است و گرنه خورد و خواب و شهوت چیزهایی هستند که بین انسان و حیوان مشترکند.

ثمره ورزش تندرستی است و ثمره تندرستی خدمت در راه خدا و خدمت به خلق خدا می باشد، امروز ورزش ما این اثر و ثمر را ندارد، مخارج کلان ورزش از یک طرف اختلاف جدی و شوخی طرفداران تیم های ورزشی از طرف دیگر، شرط بندی های حرام بر سر هواداران و بازیکنان تیمهای مختلف، ائتلاف وقت و تخریب شئون ملی و میهنی و هزاران عیب دیگر که در مقابل ثمرات آن چندان چنگی به دل نمی زند.

عده ای بر این عقیده اند که در ورزش ها عده ای جوان را از بیکاری یا پای ماهواره ها جمع می کنند و به نام تماشاچی در یک جا جمع می شوند و حداقل در مدت دو ساعت هم که شده فساد کم می شود!



در جواب آنها باید گفت: اگر دولت سرمایه بزرگی را که خرج ورزش می کند تا جوانان پای ماهواره بیگانگان ننشینند برایشان اشتغالهای متعددی درست کند هم ورزش کرده هم وضع اقتصادی اش خوب شده و هم فساد کم شده زیرا هر کارش ورزش است ولی هر دو ورزشی کار نیست.

امام خمینی در مصاحبه ای که در روزهای انقلاب در پاریس داشتند به خبرنگار خارجی گفتند اگر سرزمین خراسانمان را درست آباد کرده و کشاورزی کنیم برای مصارف داخلی کشورمان کافی است و بقیه شهرها را برای صادرات می کاریم.

در روز تأسیس جهاد سازندگی در قم ناظر بودم که کشاورزان با تراکتورهایشان با بیللی که همانند پرچم کنار فرمان تراکتور علم کرده بودند مانور استقلال دادند و چراغ روشن در قسمتی از شهر قم رژه رفتند و این کار باعث نشاطی در توده مردم شده بود که اگر نشاط می ماند واقعاً مایه رشد روحی و اقتصادی مردم می شد و امروز برای ارزاق ضروری و مایحتاجمان چشم به راه غریبهها و غریبهها نبودیم که حتی صادر هم کردیم، اما افسوس که امروز به جای رژه تراکتورها که مظهر استقلال کشورند ماشینهای لوکس میلیاردی زیرپای بی ارزش ترین جوان الوات افتاده در خیابانها رژه می رود و مصرف بنزین کشورمان چین یک و نیم

میلیاردی بیشتر است!

یکی از دوستان که چند ماهی برای طرحی در چین بوده است تعریف می کرد که در آن دیار همه مشغول کار و فعالیت هستند ایان می گفت یک خانواده سه نفری که متشکل از پدر، مادر و یک پسر بودند و سنشان هم بالا بود در مزرعه ای مشغول به کار بودند که هیچکدامشان مدرکی کمتر از دکترا نداشتند! ولی با غیرت ملی خود مشغول کار بدنی می کردند.







## ۲- مجوز بیلارد و تعطیل قلیان!

از جمله منهیات موکد اسلام قمار است و یک از انواع قمارها بازی بیلارد با شرط برد و باخت است که اکنون با مجوز دولت و در بازار مسلمین این کار با سرافرازی انجام می شود و می دانیم که بردن و باختن با اعصاب خورد جوانانی که به هر دلیلی خود را خسته می دانند کاری بس خطرناک و ضررآفرین اگر مالی از دست برود خطر خودش را دارد و چنین کاری نه ورزش حساب می شود و نه سرگرمی مفیدی به حساب می آید.

ما به جای ممانعت از آن با قلیان و قهوه خانه ای که قلیان می کشند مبارزه جدی می کنیم و قلیان امروز یک منکر عجیبی در جامعه ما تلقی می شود

در حالی که اگر مقایسه کنیم بین این منکر با آن منکر تفاوت فاحشی است.

قلیان منکری شخصی و ضررش ضرر شخصی است ولی قماری که نام برده شد بلیه ای است اجتماعی و سببی است برای رواج قمارهای دیگر و فلج کننده جامعه جوان و پیر.

قلیان که یقیناً پدیده بدی برای جوانان است را عده ای سیره برخی از بزرگان می دانند که فلان شخصیت مذهبی دینی هم از آن مثلاً استفاده می کرد گرچه برای یک جوان چنین توجیهی بی جاست و نباید مقایسه کند لکن این کار را می کند اما درباره قمار که چنین مسئله ای وجود ندارد.

شرکت های هر می از وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی مجوز می گیرند و تمامی مراجع تقلید هم آنرا حرام می دانند و جمع کثیری از جوانان ناآگاه هم در آن شرکت کرده یا پولی حرام بدست می آورند یا همه زندگی خود را بر باد می دهند.

عده زیادی از جوانانی که حتی از خانواده های مذهبی هستند در این شرکت شریک شده و برای آنها فعالیت می کنند و سرمایه گذاران شرکت هم که بعضاً در ایران و بعضاً در خارجند هر روز نامی از آن را عوض می کنند تا افراد با نام دین و مذهب با آنها همکاری کنند و یا گاهی با شایعه اینکه فلان پسر روحانی یا فلان داماد مرجع تقلید در





آن شرکت کرده بازار خودشان را با این شایعات یا دروغ‌ها گرم دارند ولی به آنها کاری ندارد ولی اگر کاسب جزئی چند قلم جنسی از شهری به شهر دیگری منتقل کند تا اندک فایده‌ای ببرد و خرج زن و بچه‌اش کند که صد البته اینهمه اگر خلاف مقررات کشور باشد خطاست ولی با این بازاریابی مبارزه‌ای جدی می‌شود و با آن بازاریابی هرمی برخورد جدی نمی‌شود!

در جامعه ما گاهی ماشینهای لوکس میلیاردری و با یک سرنشین جوانی فاسد و پرسه‌زنی در خیابان‌ها و مزاحمت مردم تحت عنوان قانون شهروندی مبارزه‌ای نمی‌شود ولی با کارگری نه اسم کلاه را نمی‌تواند بر زبان بیاورد و با موتورش یا به سر کار می‌رود و یا برمی‌گردد مبارزه و مخالفت می‌کنند و جریمه می‌شود و یا با خانمی که خودش و سگش در ماشینی از شمال به جنوب خیابان می‌رود و می‌آید که هر دوی آنها جزء منکرات هستند باز همان حقوق شهروندی کاری ندارند ولی دست فروش فلج حاشیه خیابان را که اگر چه اگر مزاحم رفت و آمد باشد او را هم باید منع کرد بیشتر اذیت می‌کنیم و این منکر را از آن منکر بدتر می‌دانیم!



## ۵- ترک معرفی اسلام اصیل و همایش های غیر ضروری:

امروز که روز ارتباطات است و به صورت لحظه ای خبرها منتقل می شود باید قلم بدستان آگاه اسلام را به صورت لحظه به لحظه به سراسر جهان منتقل کنند که این آرزوی دیرینه علامه مجلسی ها و شهید اول و ثانی و شیخ مفید ها بوده است و ما اگر در این رابطه کم بگذاریم مدیون آن علمای سخت کوش قبل از خودمان هم خواهیم بود آنانی که در کتابخانه های تاریک و بی امکاناتشان تمامی فقه شیعه را آنهم در حال ناامنی و در محاصره دشمن نوشتند و آنها که کل روایات را جمع آوری کرده که امروز به زیور چاپ رسیده صدوده جلد فقط یکی از نوشته هایشان می شود آرزوی چنین



کوقعیت هائی برای نشر معارف اسلام و تشیع مظلوم داشته اند آنان فردای قیامت از ما که غرق امکاناتیم مطالباتی خواهند داشت، از نسل موجود حوزه و اساتید خواهند پرسید ما چنان کردینم شما چه کردید؟ شما گذاشتید که از سوی منحرفان بی مایه و هابیت همه دنیا پر شود ولی مکتب حق تشیع مظلوم ماند و وجوهات شرعی را فقط خرج ساختمانهای زیبا کردید و از دنیای تشنه معارف فراموش کرده نسلی به انحراف رفتند و شما به جای شکار دل ها گل بازی کردید، بودجه عظیم آستان قدس رضوی باید صرف نشر معارف امام رضا و پدران و پسران معصومش خرج جذب دلهای جوانان جهان بشود و شما همیشه مشغول دوست و خراب کردن رواق های حرم بودید.

منحرفان آل سعود در هر جای دنیا حادثه ای برای مردم پیش می آید حاضر می شوند و هدایائی که از پول مردم و انفال است را تحت عنوان خادم الحرمینی!! به مردم ستم دیده می دهند و به مصداق الانسان عبید الاحسان یعنی انسان بنده احسان است دل آنها را به انحراف به سمت و سوی خودشان کشیدند و شما مشغول نماکاری ساختمانهای هستید و گفتید این آبروی اسلام است و اینجا عاصمه شیعه است و باید زیبا ساخته شود!

امیرمؤمنان در جمع یارانش گله کرد که ببیند



دشمنان در باطنشان متحد و شما در حقشان  
متنفردید!

ما در این مورد هم ترک واجب کرده و سنت  
هم بجا نیاورده ایم، در قرآن مجید خداوند فرموده  
است اگر امکاناتی بدست آوردید اول به رواج  
نماز و احیاء زکات یعنی زنده کردن معارف دین  
بپردازید ما امروز نظامی به نام جمهوری اسلامی  
داریم که این حجتی است که در روز بازپسین علیه  
ما بکار گرفته خواهد شد که در مقابل این نعمت  
بزرگ چه کردید.

وقتی امام هشتم علیه السلام فرمود: شما معارف  
و معالم ما را به مردم بگوئید به صورت طبیعی  
خودشان به سمت ما خواهند آمد ما چقدر بودجه  
ها را خرج همایش های کم نتیجه و نتیجه کرده ایم  
ما برای احیاء برخی کتب قدیمی صحیح السند و  
ذخائری که می تواند راهگشای مردم مسلمان باشد  
کاری چشمگیری نکرده ایم ولی همایش انقراض  
یوزپلنگ ایرانی گرفته و صدها مقاله و مقاله نویس  
را با خرجهای گزاف دور هم جمع کرده ایم، حال  
خودمان قضاوت کنیم چه چیزهایی را ترک کرده  
و چه چیزهایی را رواج داده ایم!

امروز در این کشور عزای انقراض نسل دایناسور  
عزای جدی است و وقتی از این انقراض بحث  
می کند گویا بدترین بلا بر سر بشریت نازل شده  
است! در حالی که نه خودش دایناسور دیده و نه

از خاصیت این هیولاءِ غیر مرئی چیزی می داند که دیگران نمی دانند. به قول ظریفی چقدر از صله رحم با دائی ناصری مؤمن و نیازمند فراموش کرده ایم و داغ انقراض دایناسور را به رسم روشنفکری به دل خریده ایم!!





## ترک میّت و پرداختن به مسائل غیر ضروری:

در اسلام برای تشییع جنازه میّت دستوراتی سازنده سفارش شده است از جمله خبر کردن افراد از مؤمنین و زودتر دفن کردن و در مراسم تشییع از مردم اقرار گرفتن که این مرحوم یا مرحومه فردی مؤمن یا مؤمنه بود و گرفتن رضایت از حق و حق دارانی که ممکن است با او حساب و کتابی داشته اند و در حین تشییع به یاد مرگ بودن حرف دنیا نزدن و نخندیدن و صدها از این نمونه هائی که همه از روی حکمت واجب یا مستحب شده و برای زنده های بدنبال جنازه مایه عبرت و جدی



گرفتن مرگ است.

در خانه ای که میّت نماز خوانده و در جایگاه مخصوص نمازش او را گذاشتن حتی برای سهولت جان دادنش مهم است و نقش مهمی دارد نیز از سفارشات دیگر اسلام است.

در اینکه با وضو و طاهر در تشییع پیکر یک مؤمن شرکت کردن اجر بیشتری است همه و همه بخاطر حرمت مؤمن پس از مرگ همانند قبل از آن است و اینکه مؤمن نگاهش به مشایعت کننده هاست دلیل بر حرمت مؤمن است تمامی ظرائفی که در تشییع جنازه سفارش شده گویای حرمت میّت است و دلیل حُسن تشییع جنازه می باشد.

اما در میان ما رسم هائی غیر از اینها رواج پیدا کرده است که به برخی از آن رسم ها اشاره می کنیم، به جای فاتحه تهیه گل پلاستیکی که توهین است و یا گل طبیعی که اسراف است و به جای اهداء سوره ای از قرآن، یک دقیقه سکوت را از فرنگیای فرنگستان یاد گرفته ایم و عمل می کنیم! و گویا از خودمان رسمی یا رسومی یا ملیتی نداریم.

به جای آرام راه رفتن پشت جنازه و تفکر کردن نی می زنیم که اگر بخواهد اشکی از چشمان درآید به خاطر غم حاصل از نی در آید و به جای پیاده رفتن حتی در مسیرهای کوتاه به دنبال جنازه عزیزمان گویا عجله داریم با ماشین های مدل بالا





ردیف می شویم و به جای غم درون لباسهای جور و واجور مشکی و گهگاهی لباسهای تور مشکی آنهم با رعایت چشم و هم چشمی می پوشیم و به جای شنیدن حدیث یا موعظه ای که مایه عبرت باشد از شعرهای صرفاً احساسی که حکم گاز اشک آور دارد توسط برخی مداحان استفاده می کنیم، جوانی که تازه مرده بود و لحظه لحظه خواهر و مادرش غش می کردند را دیدم که بر سر قبرش مداحی با آب و تاب بیخیال اینکه کارش گرفته خزعبلات می گفت و آنها را که دلداری لازم داشتند داشت به کشتن می داد!

پس از رسیدن به خانه هنوز گرد قبرستان را نتکانیده درباره نوع پذیرایی و نوع غذا و انواع میوه ها یا اینکه از کدام تالار استفاده کنیم صحبت می شود، او که تازه از دنیا رفته است و نیاز به نماز شب اول قبر دارد تا در جوار خدا آرام بگیرد و بتواند پاسخگوی سؤال دو فرشته خدا باشد را تنها گذاشته و ما در خم و چم اینکه گلهای بشقابهای غذا چگونه باشد و همه حتماً یکدست باشد!

او را که با اولین سؤالی که مواجه می شود حق الناس است رها کرده و با پولی که بجا گذاشته باز هم مدیون حق الناس می کنیم!

او که با اولین سؤال قیامت یعنی نماز مواجه می شود را رها کرده و لیست دعوتی تهیه می کنیم که چه کسانی دعوت شوند و حساب و کتاب های



شخصی و فامیل های پولدار و اسم و آوازه دار و مسئولین اداره و رئیس و حراست و معاون و امثال اینها را بررسی می کنیم!

میت را دفن کرده و با فاصله ای اندک وقت برای انحصار وراثت تعیین می کنیم.

لعنت خدا بر آنهایی که ادعای دینداری داشتند و هنوز غسل و دفن پیامبر تمام نشده جلسه ای گرفتند به نام سقیفه بنی ساعده و با نان قرضی به یکدیگر دادند خلافت اسلام را بین خودشان تقسیم کردند و این بلاها را بر سر اسلام آوردند!

میت را دفن کرده قبل از آنکه به وصیت های او عمل کنیم و اموال مردم را به صاحبانش برگردانیم تا او در آنجا احساس آرامش بکند به فکر آنیم که ما در ختم به جای چای نسکافه بدهیم و به جای چلوکباب معمولی میکس به مردم بدهیم بهتر است، حال کسی نمی پرسد که این بهتر بودن برای اوست که مرده یا برای فخرفروشی ما زنده هاست؟! یا اینکه چه نوع حلوائی بپزیم و با چه قالبی زیباتر جلوه می کند همه و همه اینها برای اینست که از جلسه ختم فلانیها بهتر باشد.

ترک اینهمه کارهای مطلوب و سفارش شده و انجام بسیاری از کارهای خرافاتی چیزی است که امروز متأسفانه نهادینه شده است و کم کم واجبات جای خود را به مستحبات که نه بلکه به بدعت ها

و خرافات می دهد و این در جامعه که رسول خدا  
فرمود: وَاَمْرُ الْجَاهِلِيَّةِ يَعْنِي رِسْمَ جَاهِلِيَّتِي رَا  
از بین ببرید جور نیست.





## ترک سلام و جایگزین های بی ربط

سلام از سفارشات اصیل و اکید اسلام است، سلام دعا و خیرخواهی است. سلام کردن مایهٔ ازدیاد محبت است و باعث زدوده شدن کدورت، سلام علامت بزرگی است، سفارشی است که خودش مستحب و پاسخش واجب می باشد، برای فضیلت این دعا شصت و نه ثواب و جوابش یک ثواب دارد. سلام به نمازگزار در حال نماز جوابش واجب است و در نوع جواب هم لازم است با همین واژهٔ سلام جواب بگوئی نه واژه علیک! اینقدر این ذکر کوتاه در از بین بردن کدورت ها مؤثر است که گفته اند به افراد جاهل و نافرمانان از روی جهل هم که رسیدی سلام کن که امید

است با این دعای کوتاه اصلاح شده به راه بیاید و  
 اذا خاطبهم الجاهلُودة قالوا اسلاماً در میان جمعها  
 سلام آغاز دیدار و احوالپرسی و در میان اعراب  
 سلام در آخر ملاقات رسم است و لذا در نماز  
 آخرین کلام را سلام تشکیل می دهد، السلام  
 علیکم و رحمة الله و برکاته

کسی در دوران عمر رسول اکرم اسلام نتوانست  
 بر سلام آن حضرت سبقت بگیرد یعنی او در سلام  
 کردن بر همگان اعم از کوچک و بزرگ سبقت  
 می گرفت.

در سیره رسول خدا آمده است که حضرت اگر  
 وارد محل خالی از سکنه هم می شدند بر اهل  
 آن مکان سلام می کردند و حتی عده ای گفتند  
 این رکورد سبقت را ما می شکنیم رفتند و پشت  
 ستونهای مسجد مخفی شدند که تا حضرت وارد  
 شود آنها زودتر سلام کنند و رسول خدا را غافلگیر  
 کرده بر سلام او سبقت بگیرند ولی تا رسول خدا  
 وارد مسجد شد در همان آستانه در فرمود: السلام  
 علیکم و رحمة... که آنها با شرمندگی از مخفی  
 گاهشان بیرون آمدند.

درباره خطیب نماز جمعه که با هزاران نفر مواجه  
 می شود اولین دستور این امت که به مردم سلام  
 کند.

سرآغاز هر نامه ای یا هر کاری برای تداوم آن





کار سلام کردن است.

این سلام با این همه مقبولیتی که دارد را عده ای با جایگزین های بیجا عوض کرده اند و دهها لغت بی ربط را بجای آن استعمال می کنند از جمله اینکه مخلصم، فدایت، نوکرم و.. که جواب اینها هم از سنخ خود همین گونه لغات است، اینها و صدها لغت دیگر هم که به جای سلام یا جواب آن کنار هم ردیف شوند کار همان سلام مختصر را نمی کنند و جواب آن هم واجب نیست.

سلام علامت غیرت ملی و پایبندی به رسوم کشور علاوه بر رسوم دینی است و نام خداوند است. دروغ و مبالغه و غیرواقعی در آن راه ندارد و در حالی که در بیان جملات قبلی ثوابی نیست، دروغ و تملق بیجا هست و به زودی قابل باور نیست، پس چرا عملی پسندیده همچون سلام کردن را انسان ترک کند و به جای آن یعنی در حقیقت به جای نام خدا چیز دیگری را جایگزین نماید؟

جفای دیگری که به ساحت سلام شده اینست که ما در رسوممان آن را علامت برتری می دانیم و همواره توقع بزرگترها از کوچکترها سلام کردن است در حالی که این رویه، رویه اسلام نیست، آری وظیفه همگان است که سلام کنند و درست است که نشانه تواضع و فروتنی نیز هست لکن فخرفروشی های بیجا در این قرارداد نیست و لذا



پیامبر بزرگ اسلام که بزرگترین فرد آفرینش است  
بر کوچکترین ها و بر همگان سلام می فرمود.

سلام در معنای تواضعش از چنان جایگاهی  
برخوردار است که گفته اند به کسی که اهل سلام  
کردن و یا جواب دادن نیست که مصداق متکبر  
می باشد نباید سلام کرد و نباید حرمت این عمل  
واژه مقدس ریخته شود.

﴿إِذَا رَأَيْتُمُ الْمُتَكَبِّرِينَ فَتَكَبَّرُوا وَ إِذَا رَأَيْتُمُ  
الْمُتَوَاضِعِينَ فَتَوَاضَعُوا﴾

(هنگامی که متکبری را دیدی با او تکبر کن و آنگاه  
که با شخص متواضع برخورد نمودی بال و پر تواضع  
بگستران).

پس سلام جایگزینی ندارد و هیچ چیزی جای  
آن را نمی گیرد ولی متأسفانه به جای این داروی  
شفابخش قرآنی دارونماهای قلبی را جایگزین  
کرده ایم!